
روح الله الموسوی الخمینی
امام خمینی والگوهای
دین شناختی در
مسائل زنان


بسم الله الرحمن الرحیم

امام خمینی و الگوهای دین شناختی در مسایل زنان

نویسنده:

ضیاء مرتضوی

ناشر چاپی:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام خمینی و الگوهای دین شناختی در مسایل زنان

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرتضوی ضیا، - ۱۳۳۷ عنوان و نام پدیدآور : امام خمینی و الگوهای دین شناختی در مسایل زنان نویسنده ضیاآ مرتضوی تهیه مجله پیام زن مشخصات نشر : قم حوزه علمیه قم دفتر تبلیغات اسلامی مرکز انتشارات ۱۳۷۸. مشخصات ظاهری : [۱۶۸] ص فروست : (کتابهای مجله پیام زن ۱۳) شابک : ۹۶۴-۴۲۴-۷۱۶-۷ ۷۰۰۰ریال ؛ ۹۶۴-۴۲۴-۷۱۶-۷ ۷۰۰۰ریال وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی یادداشت : پشت جلد لاتینی شده ... Ziya Mortazari: Emam Xomeyni Va Olguhaye dinsenaxti dar masaele Zanan . یادداشت : کتابنامه ص []۱۶۸ موضوع : خمینی روح الله رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹ -- نظریه درباره زن موضوع : زنان در اسلام شناسه افزوده : پیام زن ، ماهنامه شناسه افزوده : حوزه علمیه قم دفتر تبلیغات اسلامی مرکز انتشارات رده بندی کنگره : DSR۱۵۷۴/۵ /ز۹ الف ۸ ۸۷۳۱ رده بندی دیویی : ۲۴۸۰/۵۵۹ شماره کتابشناسی ملی : م ۸۷-۶۱۴۲۲

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند و آنان که توان جنگ دارند در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت و از محرومیتهایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهانده

و از قید خرافاتی که دشـمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودنـد، خـارج نموده انـد. حضـرت امـام خمینی ، در جایگـاه فقیهی بزرگ و فیلسوف و عـارفی عـالی قـدر، از موضع رهـبری انقلاب و نظام اسـلامی ، پس از حـدود هشـتاد سال تلاش علمی و جهاد علمی در شـناخت حقایق دین و معارف ناب محمدی (ص)، در سـندی جامع و جاودانه که برای پس از رحلت خویش رقم می زننـد، تحول روحی و فرهنگی و شخصـیتی بانوان و رهـایی از محرومیتها و خرافات خودساخته و حضور شـجاعانه و متعهـدانه و همه جانبه آنان در عرصه های مختلف اجتماعی را در ردیف افتخـارات خویش برمی شـمارند و این تحول و حضور مبارک را سـندی دیگر بر افتخارات خود و جامعه اسـلامی و انقلابی معرفی می کنند.

آنچه در این سـند افتخار، بیش از همه به عنوان دسـتاورد تحول در شخصیت انسانی و حضور اجتماعی بانوان ، جلوه می کند، همان حضور مقتدرانه زنان ، همدوش مردان در راه تعالی دین و حاکمیت اهداف قرآن می باشد و طبعا حضور در میدان دفاع از اسـلام و کشور اسـلامی به مقتضای مسؤ ولیت دوران جنگ ، یکی از مظاهر بسیار گویا و انکارناپذیر در حضور متعهدانه و بی بـدیل بـانوان است ، اما آنچه در این فراز از سـخن امام بیش از همه و به عنوان نقطه آغاز تحول و ابراز شایسـتگیها و اثبات امکان حضور متعهدانه بانوان در عرصه های مختلف اجتماعی و تاء کید بر ضرورت آن ، جلوه می کند و در واقع

نکات کلیدی آن به شمار می رود، یکی محرومیت تاریخی و تحمیلی بر بانوان است که زاییده دست دشمنان از یک سو، و ناآگاهی دوستان نسبت به دین و دیانت از دیگر سو، بوده است ؛ دوم رویکرد شجاعانه و در عین حال متعهدانه بانوان به اسلام ناب از منظری که حضرت امام به آن می نگریستند و رها ساختن خود، از بند خرافات خودساخته می باشد؛ و سوم ناآگاهی برخی محافل مذهبی و برخی مدعیان دانش دین و سلوک دینی ، که دستمایه دشمنان ، برای دستیابی به منافع خود به شمار می رود؛ چهارم اینکه ، محرومیتهای یاد شده در واقع تحمیل ناآگاهی و جهل مرکب خود بر گرده اسلام و شانه مسلمانان است ؛ آن هم به دست دوستانی که نه به ناآگاهی خویش آگاهند و معترف ، و نه عرصه را برای دانایان متعهد و متعهدان دانا رها می کنند. این است که مبارزه برای نمایاندن چهره ناب دین محمدی (ص) و آشکار ساختن خورشید تابناک شریعت احمدی (ص) قربانی می طلبید و مقابله با آن مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می نمود بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حیله و مقدس مآبی و تحجر بود؛ گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت سرب جگر و جان را می سوخت و می درید. با اینهمه و علی رغم دشواری مبارزه در جبهه خودی ، برای در هم شکستن قید و بندهایی که در لایه هایی از مقدس

نمایی و قداست فروشی و تحجر و زبان ناشناسی ، پیچیده بود، چاره ای جز به جان خریدن تیرهای تهمت و تهدید نبود مبارزه ای نفس گیر و مستمر که راهی جز استمرار آن وجود ندارد:

ما باید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته تا به سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله برسیم و امروز غریب ترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می خواهد و دعا کنید من نیز یکی از قربانیهای آن گردم . (۱)

و اینچنین است که در نگاه ما مهمترین رسالت جامعه اسلامی و انقلابی بویژه نسلی که همزاد با انقلاب اسلامی و سالهای پس از پیروزی است ، شناخت دین و حقایق اسلام از منظر نگاه حضرت امام و بازنگری در دریافته ای فکری و باورداشته ای دینی و سلوک ایمانی و دیانتی خود بر اساس الگوهای دین شناختی حضرت امام می باشد. و طبعا ضرورت این بازشناسی در حوزه مسایل زنان دو چندان می شود. و این مهم ، تنها در صورتی شدنی است که از یک سو، شناخت جامع و درستی از شخصیت علمی و دیانتی حضرت امام و ویژگیهایی که ایشان را به نسخه ای یگانه تبدیل کرده است داشته باشیم ، و از سوی دیگر وقتی از منظر اندیشه و نگاه امام به دین و آموزه های آن می نگریم ، نگاهی همه جانبه و با پرهیز از نگرش تبعیض آمیز به الگوهای دین شناسی آن بزرگوار باشد. بیشترین زمینه تحریف و طبعا بیشترین نگرانی نیز از همین نقطه است که باورمندان به اندیشه و

سلوک امام و علاقه مندان به شخصیت ایشان ، نگاهی تبعیض آمیز به شخصیت حضرت امام داشته باشند و یا اندیشه و عمل و در واقع شخصیت ایشان را آن گونه که خود می پسندند به تصویر کشند و در واقع در پی تاءیید اندیشه و سلوک موجود خود باشند و نه تبیین و شناخت دین و دیانت در چارچوب الگوهای دین شناسی امام .

دستگاه اندیشه و طبعا ساختار سلوک فردی و اجتماعی امام ، و به عبارتی شناخت و قرائت آن بزرگوار از اسلام و شریعت ، دستگاهی واحد با اجزایی بهم پیوسته است که هر جزء، جایگاه خاص خود را دارد و هر بخش با بخشهای دیگر پیوند می خورد. اگر در مثل ، سیاست و دیانت جدایی ناپذیرند، فرهنگ و اقتصاد و هنر و دانش و اخلاق و تربیت و معرفت به حقایق هستی و معنویت و فلسفه و عرفان و فقه و دیگر ابعاد دین و دینداری نیز بر همین مدار می چرخند و خاستگاه همه آنها، این حقیقت است که دین به عنوان دستگاه هدایت ، پاسخگوی همه نیازهایی است که دستمایه هدایت بشر به حیات طیب می باشد و همنوایی اندیشه و سلوک آدمی با نداهایی است که از ژرفای جانی برمی خیزد و نیازهایی که از عمق روح وی سر می کشد و گستره حیاتش را پوشانده است . و دین در این نگاه ، کلمه طیبه ای است که ریشه در جان آدمیان دارد و همه ، در لحظه لحظه زندگی خویش در سایه سار شاخه های آن ، حیات طیب را تجربه می کنند و از

میوه های معرفت الهی و سلوک آسمانی آن بهره می برند :

اءلم تر کیف ضرب الله مثلا کلمه طیبه کشجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤ تی اءکلها کل حین باذن ربها . (۲)

چه اینکه بی هیچ تفاوتی میان زن و مرد فرمود :

من عمل صالحا من ذکر و انثی و هو مؤ من فلنحیینه حیاه طیبه و لنجزینهم اجرهم باء حسن ماکانوا یعملون . (۳)

آبشخور این حیات طیب در این سوی زندگی و در قالب تن خاکی ، سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی (ص) است که جز با شکستن حصارهای جهل و خرافه ، راهی برای دستیابی به آن نیست . و سخت ترین و در عین حال ظریف ترین مبارزه نیز درهم ریختن بتهای خرافه و جهل که به نام دانش و دین و دین باوری در عمیق ترین لا-یه های ذهن و عادت و تعبد فرد و قرارهای اجتماعی لانه کرده است می باشد. این است که در تاءکیدی دوباره ، و در فرصت تاریخی یکصدمین سال ولادت حضرت امام خمینی ، بر این مهم پای می فشاریم که شناخت دین از منظر نگاه امام و از جمله شناخت شخصیت انسانی اسلامی زنان و مسایل آنان ، و آنگاه پایبندی به آموزه هایی که از این منظر می گیریم ، مهمترین مسؤ ولیت جامعه ما بویژه نسل پرنشاط و شایسته جوان است ، چرا که به فرموده آن بزرگوار امروز غریب ترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می خواهد.

آنچه می خوانید نگاهی است در همین چارچوب به عمده ترین محورهای مسایل زنان ، که

شرح ضرورت آن و چگونگی پرداختن به آن در کلمه نخست کتاب آمده است . در نگاه ما، به دست دادن الگوهای دین شناسی در مسایل زنان ، از منظری که حضرت امام خمینی به آن می نگرد، از بایسته ترین نیازها در شناخت صحیح شخصیت انسانی ، حقوق و جایگاه اجتماعی و خانوادگی زنان می باشد. این مهم آنگاه ضرورتی دو چندان می باید که پیدایش و حرکت انقلاب اسلامی و چارچوب مدیریت نظام و جامعه اسلامی بر اساس خط و اندیشه حضرت امام خمینی است .

بزرگداشت یکصدمین سال ولادت حضرت امام خمینی فرصت به دست داد تا از این منظر به دیدگاههای حضرت امام پرداخته شود. نوشته ای که پیش روی دارید دستاورد این تلاش است که نخست در ویژه نامه پیام زن به مناسبت بزرگداشت یکصدمین سال ولادت حضرت امام خمینی ، انتشار یافته است و اینک بی هیچ کاستی یا افزایشی تقدیم می شود. به گمان نویسنده این نوشته می تواند هر چند به اجمال و در قالبی کلی ، نوع نگرش حضرت امام به مسایل زنان را نشان دهد و برای آنان که می خواهند از این منظر به تبیین و تحلیل مسایل یاد شده بپردازند راهگشا باشد. ان شاء الله .

آنچه در ضمیمه کتاب به تناسب موضوع کتاب با عنوان امام خمینی و راهبرد تهاجم آمده است ، چنان که در آغاز مقدمه آن اشاره شده ، هر چند از اصل موضوع کتاب بیرون است اما تاءکیدی است از منظر دین شناسی حضرت امام خمینی بر پیشدستی در برابر دشمن در زمینه های مختلف ، از جمله مسایل فرهنگی

، و درآمدن از لاک دفاعی به موضعی هجومی .

این مهم در زمینه مسایل بانوان و شخصیت آنان در اسلام ، ضرورت دو چندان می یابد چرا که دهها سال است آنچه نوعا در جوامع اسلامی در مقابل غرب و هم کیشان آن شاهد بوده ایم برخورد انفعالی و حداکثر، تلاش برای دفاع بوده است و نه تهاجم ؛ تهاجم به بتهایی که به نام آزادی و دفاع از حقوق و شخصیت زن در غرب تراشیده شده و هجوم به سنگرهایی که از میان آن ، به ارزشها و مرزهای انسانی زنان در اسلام تاخته می شود. ما بواقع ، آنگاه می توانیم در چارچوب الگوهای دین شناسی امام به فهم معارف دینی و از جمله درک و معرفی شخصیت زن بپردازیم و آنگاه می توانیم شاهد موفقیت جامعه خویش در دستیابی عملی به مدینه فاضله ای باشیم که زن و خانواده ، جایگاه و حقوق خویش را دارا باشند که بتوانیم بیگانگان و فرهنگ آنان را به موضعی که کاملا تدافعی کشانده و در خارج از مرزهای جامعه خود، ضربه پذیر کنیم . آنچه در ضمیمه آمده تاءکیدی است بر این مهم و شرحی بر آنچه حضرت امام در این خصوص به آن فراخوانده اند.

درود بی پایان بر روح والای حضرت امام خمینی ، که با سرپنجه ایمان و اندیشه و دانش خود نظام جمهوری اسلامی ایران را بنا نهاد و در جامع ترین قالب و زیباترین شکل به بازسازی نگرش ما به اسلام و دیانت قیام کرد.

در اینجا لازم می دانم که از تلاش همکاران گرامی مجله پیام زن بویژه جناب آقای سید

حسن حسینی ، به خاطر تلاش در حروف چینی و صفحه آرایی کتاب سپاسگذاری کنم .

قم سید ضیاء مرتضوی ۱۳ آبانماه ۱۳۷۸

کلمه نخست

حضرت امام خمینی ، پس از معصومان (ع) که برگزیدگان خاص الهی اند، نسخه ای بی مثال از شخصیتی جامع است که برای تبیین و شناخت وی باید از زوایای متعددی نگریست و به تحلیل و ارزیابی و مقایسه پرداخت . حضرت امام ، در چهره یک انقلابی بزرگ ، کسی است که یکی از اصیل ترین انقلابها را تا سرمنزل پیروزی رهبری کرد. در مدیریت و رهبری ، نظامی را پایه ریزی و در سالهای دشوار شکل گیری و علی رغم توطئه ها و مانع تراشیهای بسیار، رهبری کرد که نسخه ای منحصر به فرد است . در مرجعیت دینی ، یکی از پرآوازه ترین مراجع است و دامنه تربیت صدها شاگرد در حوزه های مختلف اصول و فلسفه و اخلاق و عرفان نشست . در نگارش و بیان ، آثاری را در زمینه های مختلف ارائه کرد که برای سالهای سال سرمایه مراکز علمی و محافل فکری و پاسخگوی بسیاری نیازها خواهد بود.

در اخلاق و عرفان و سلوک معنوی ، هم از بعد نظری و هم در میدان عمل ، به عنوان یک عارف صاحب نظر، و سالک عالی مقدار، در ردیف یکی از اولیای عظیم الشاءن الهی ، لنگر آرامش و ثبات ملتی شد که جهان استکبار و سلطه جویان شرق و غرب ، عزت و آزادی آن را نشانه رفته اند. حتی در ادبیات عرفانی ، مجموعه ای از زیباترین سروده های عمیق عرفانی را بر جای گذاشت

و توان بالای خویش را در این خصوص نشان داد. در زنـدگی شخصـی و سـلوک خانوادگی در مقام همسـر و پـدر، نمونه ای متعالی و الگویی جاودانه از یک زندگی موفق را ارائه داد.

اینهـا و ابعاد دیگری از این دست که با یک نگاه کوتاه به شخصـیت آن عزیز به چشم می آیـد، و نیز زوایای پنهان و لایه های عمیق دیگری از شخصـیت امـام که گـذشت زمـان آن را شـکار خواهـد سـاخت ، هر کـدام در جـای خود بسـیار مهم است و سرجمع نیز نسـخه ای می شود که آن را امـام خمینی می نـامیم . امـا یکی از مهمترین و راهگشـاترین ابعاد شخصـیتی امام و از یک منظر، مهمترین بعد شخصـیت ایشان ، بعد دین شناسـی و نوع نگرش ایشان به اسـلام و تفسیری که از دین ارائه می کند و چهره ای که از اسلام ترسیم می نماید می باشد.

اگر از این منظر به ویژگیهـایی که شخصـیت استثنایی حضـرت امـام را شـکل می بخشـد نگـاه شود، انسـانی خواهیم یافت که بیشترین نسـبت و عمیق ترین و جـامعترین درک را از دین شـریف اسـلام دارد. انسانی با این ویژگیها، اسـلام شناسـی کم نظیر است که در حوزه علم و عمـل و در عرصه عملی سـاختن مکتب ، نمونه ای اعلی و شخصـیتی بی مثال به شـمار می رود. او در عرفان عملی و رهیافتهای شـهودی که از مسـیر دل و تصـفیه درون به چنگ می آید، چنان که قرآن کریم بر رابطه روشن میان تقوا و معرفت تاءکید دارد به شناخت شهودی بسیاری حقایق نایل آمده است . (۴)

حضرت امام ، در عمق

ژرفترین حقایق و معارف را در مباحث عرفانی ، فلسفی ، اخلاقی و تفسیری خود ارائه کرده است و در سطح ، اسلام را دین زندگی ، دین حکومت و سیاست و دین مدیریت جامعه و سامان بخشی به زندگی مادی و معنوی بشر می داند. در جایی حضرت امام اسلام را نه دین حکومت بله اساسا مساوی با حکومت به معنای عام و فراگیر آن می شمارد و احکام و مقررات آن را در واقع قوانین اسلام و بخشی از حکومت و به منزله اموری ابزاری برای اجرای حکومت و بسط عدالت معرفی می کند. (۵)

طبعا فرآیند دین شناسی انسانی شایسته و وارسته چون حضرت امام که از این منظر به دین و رهنمودهای آن می نگرد، بسیار متفاوت است با نظریه پردازی و در واقع توهم پردازی کسانی که یا به خاطر فقر ناشی از تحجر و بسته نگری ، اساسا دین را امری منفک از سیاست و مدیریت جامعه می شمارند، و یا از سر روشنفکرنمایی و وارفتگی سیاسی علمی در نظریه نویسی ، حتی حکومت و سیاست و مدیریت پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) را نیز امری زمینی و غیر الهی و خارج از رسالت دین و در حوزه تشخیص و خواست عرف و جامعه معرفی می کنند و عهده داری آن توسط پیامبران و امامان را تنها ناشی از تن دادن به خواست مردم می دانند؛ و در بیشتر روزگاران که به گفته اینان ، مردمان چنین خواست و اقبالی را نسبت به حکومت انبیاء (ع) و ائمه (ع) نداشته اند، آنان نیز به تنها

وظیفه و رسالت خود یعنی ابلاغ دین بسنده کرده اند! (۶)

اینک مجال پرداختن مبسوط به این وجهه از شخصیت حضرت امام نیست . هدف فقط اشاره به این است که اولا ـ اگر به شایستگیهای کم نظیر حضرت امام در شناخت ، قرائت و تفسیر صحیح و جامع از دین و شریعت اسلامی توجه شود، و ثانیا به جایگاهی که ایشان از آن منظر حوزه عمل دین و ترسیم و تفسیر چهره شریعت مقدس می پردازند توجه شود، و ثالثا اگر به نیاز حیاتی و گسترده جامعه به فهم و شناخت درست دین و عرصه عمل و کارکردهای آن توجه شود، و رابعا اگر به تلاش تخریبی و گمراه کننده دو جبهه افراط و تفریط، به تقصیر یا از قصور، در حوزه دین شناسی و تحلیل منابع و تفسیر مخصوص شریعت ، توجه شود، و خامسا اگر به کم کاری ، نسنجیده گری و یا جزئی نگری محافل مسؤ ول در ارائه چهره ناب و بی آلایش دین (و در اینجا مشخصا در چارچوب قرائتی که حضرت امام از آن دارند) و زدودن سلیقه ها، خرافه ها و نظریه پردازیهای التقاطی از سیمای تابناک و پاک اسلام ، توجه شود، اذعان خواهیم کرد که مهمترین وجهه همت ما و لااقل یکی از مهمترین مسؤ ولیتهای ما، آن هم در سال بزرگداشت امام خمینی ، شناخت دین و آموزه های شریعت از منظر نگاه امام و در چارچوب الگویی که آن بزرگوار ارائه کرده است می باشد. و پرواضح است روش اساسی و منطقی در نگرش به دین از این منظر، دستیابی به اصول و الگوهایی

است که چارچوب نگرش امام به الگویی جامع در دین شناختی امام و ترسیم نگره ای کامل و سازمان یافته از پیکره سالم و کامل دین که در باور ما نظام دین نیز همچون نظام احسن آفرینش ، نظام احسن در تشریع و ضابطه مندی همه چیز است حتی غرامت یک خراش ؛ چنان که در تعبیر امام صادق (ع) آمده است . (۷) اینکه مبادی رویکرد امام به دین شناختی چیست و با کدام روش به تفسیر و تحلیل نصوص و منابع دینی می پردازد؟ و اینکه در هرم دین شناختی امام کدام عناصر و اجزاء در قله و کدام در دامنه و کدام در قاعده قرار می گیرند؟ و جایگاه هر یک از اجزاء کلیت دین کجاست ؟ و ملاک وحدت و انسجام و ارتباط منطقی میان اجزاء چیست ؟ و پرسشهای بسیاری از این دست ، طبیعی است که در موضوع مهم و حیاتی دین شناختی از منظر اندیشه و نگاه امام مطرح می شود و باید الگوهای دین شناختی در حوزه شخصیت زنان و مسایل آنان می باشد. اما پیش از پرداختن به بحثهای مورد نظر، ناگریزیم چند نکته توضیحی را بازگو کنیم .

یکم :

چنان که اشاره شد به نظر می رسد عمده ترین و بلکه راهگشاترین کار در شناخت و شناساندن اندیشه های امام در زمینه های مختلف ، ارائه اصول و الگوهایی است که از یک سو تصویری روشن و جامع و حتی الامکان سازمان یافته از اندیشه امام و نگاه تفسیری ایشان از دین را در آن زمینه ارائه دهد و به دور از جزئی نگری نگرش

تبعیض آمیز به اندیشه ها و مواضع آن بزرگوار باشد، و از سوی دیگر بتواند ملاکی برای عمل و هرچه کاربردی تر شدن آن ، و معیاری برای ارزیابی دیدگاهها و عملکردها باشد. این است که در این مقاله تلاش شده است الگوها و معیارهایی برای نگرش به جایگاه انسانی اجتماعی بانوان و مسایل آنان بر اساس اندیشه و نظر امام و مستند سازی اجمالی آنها، ارائه شود.

دوم :

نیز چنان که اشاره شد، وقتی الگوهای ارائه شده برای ما می تواند به عنوان الگوهای دین شناختی مورد استناد و استفاده قرار گیرد که به شخصیت حضرت امام و جایگاهی که از آن موضع ، سخن می گویند، و دین را تفسیر می کنند و شرح و بسط می دهند، کاملا توجه شود بسیاری انسانها به تجزیه و تحلیل مسایل دینی می نشینند، از زبان اسلام سخن می گویند، به نظریه پردازی و تفسیر شریعت می پردازند؛ به گونه ای که می توان گفت نسبت نظریه پردازی در دین و سخن گفتن از شریعت و کتاب نویسی و پژوهشگری در حوزه مسایل دینی ، بیش از سایر علوم و موضوعات است .

اما پرواضح است که نسبت و قرابت اینها به حقیقت دین و واقعیت شریعت همه در یک سطح نیست ، همه در یک مرتبه حجیت و قوتی که مایه آرامش وجدان دینی و پای بندیهای شرعی باشد نیست و چنین انتظاری نیز نمی رود شخصیتهای علمی و اندیشمندان و صاحب نظراتی که سخن و نظر آنان در حوزه احکام دینی ، حجت باشد و در حوزه عقیده و باورهای دینی مایه آرامش و تحکیم

پیوندهای اعتقادی مؤ منان باشد، طیف وسیعی را شامل نمی شود و باید گفت در هر دوره گروهی محدود می باشند و طبیعی است در این گروه نیز کسانی که اندیشه و نظر آنان مبنای عمل جامعه باشد، انگشت شمار خواهند بود.

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ، از زبان دین و شریعت ، راه می نمایند و به تفسیر و تبیین آموزه های دینی می پردازند، در جایگاه کسی سخن می گویند که فقط بخشی از ویژگیهای وی اینهاست : فقیه چیره دست ، فیلسوف ، مفسر، صاحب نظر در اخلاق و عرفان نظری ، عارف وارسته ، و مرجع تقلید با همه لوازم و شرایطی که این اوصاف دارد.

سخن ایشان ، سخن یک نویسنده سخنران ، یا متفکر صرف یا نظریه پرداز محض یا یک منتقد و مصلح اجتماعی صرف نیست .

انسانی در این جایگاه نمی تواند و نباید سخن به مبالغه گوید یا به انگیزه جاذبه های تبلیغاتی و رضایت خاطر این شخص یا آن گروه و در خوشایند مریدان ، اظهار نظر کند. اگر اضافه شود امتیازها و ویژگیهای انسانی که علاوه بر اوصاف مذکور در جایگاه رهبری یک انقلاب و سپس نظام به تبیین دین و آموزه های شریعت مقدس می پردازد. آن وقت به اهمیت اندیشه و نگاه امام و قرابت آن با حقیقت دین بیشتر اذعان خواهیم داشت .

این است که براحتی پای این ادعا می ایستیم که ما از حضرت امام خمینی کسی را نزدیکتر و آشناتر به شناخت اسلام و راه و رسم اولیای عظیم الشاءن آن (صلوات الله علیهم) سراغ نداریم .

سوم :

موضوع

این نوشته همان گونه که از عنوان آن پیداست ارائه آن دسته از الگوها و معیارهایی است که در نگرش به دین از منظر نگاه امام در حوزه مسایل زنان به دست می آید و می تواند مبنای داوری ما در دیدگاه امام نسبت به این دست مسایل قرار گیرد. نکته لازم به ذکر این است که آنچه در اینجا به عنوان اصول نگرش حضرت امام ارائه شده است تنها سرفصلهای عمده در این مبحث است و بنای بر استقرای کامل و ارائه جامع همه آنچه می تواند به عنوان یک اصل و معیار در این زمینه به شمار رود نبوده است .

آن کار که تلاشی مفید و راهگشا نیز خواهد بود نیازمند فرصتی بیشتر و مجالی متناسب با خود است که اینک از حوصله بحث بیرون است . همین مقدار نیز بحث را به درازا کشانده است . لذا از محورهایی چون تفاوتهای حقوقی ، اسلام دین زندگی ، مسؤ ولیت برابر رشد، توسعه و تحدید بر اساس مصلحت که برای این نوشته پیش بینی و مطالعه شده بود صرف نظر شد. شاید در فرصتی دیگر به آنها نیز بپردازیم . ان شاء الله . در این فرصت فقط به دوازده محور پرداخته شده است .

چه اینکه شرح و بسط و مستند سازی همین الگوها نیز به مجالی بیشتر نیازمند است ، بویژه کار مستند سازی این اصول و الگوها از نقطه نظر منابع دینی و ارایه و نصوص قرآنی و حدیثی که در اینجا به ذکر نمونه هایی محدود بسنده شده است ؛ در حالی که می دانیم نوعا پشتوانه دیدگاههای حضرت امام

بویژه آنگاه که به عنوان اصول و در سطحی کلی تر بیان شده است ، حجم وسیعی از ادله دینی و شواهد قرآنی و حدیثی است و پژوهشگرانی که به مستند سازی مواضع و دیدگاههای آن عالم فرزانه می پردازند نوعا حجم زیادی منابع و ادله در اختیار دارند که در تحقیقات خود می توانند از آن بهره برند. البته از انسان وارسته و پراستعدادی که حدود ۸۰ سال از عمر شریف خویش را در شناخت اسلام و درک حقایق آن و دانش شهودی همراه با تعهد و تعمد کامل به موازین و آموزه های دین پرداخته است و آن همه مشغول توفیق و عنایت الهی قرار گرفته است نیز چیزی جز این انتظار نمی رود که قلم و قدم او و بیان و حرکت او، ترجمان حقایق دینی و احکام شریعت مقدس باشد.

چهارم :

الگوهای ارائه شده به سلیقه نویسنده در سه بخش آمده است ؛ یکی حوزه کلام و انسان شناسی ، دیگری خانواده و تربیت و سومی جامعه و فرهنگ ، این تقسیم بندی هر چند بر اساس همخوانی نسبی میان مباحث هر بخش صورت گرفته و مناسب دانسته شده است ولی امری ناگزیر نیست و می تواند به گونه یا گونه های دیگر تقسیم شود؛ هدف ، دسته بندی مطالب و توجه دادن به نوع گرایش سرفصلها و عناوین مورد بحث بوده است و نه بیشتر.

آرزو و حتی گمان نویسنده این است که این مجموعه بتواند چارچوبی از نگاه و اندیشه حضرت امام خمینی در حوزه مسایل زنان را ارائه دهد و ملاکهایی را برای تبیین موضوعات جزئی تر و نیز

ارزیابی عملکرد اجتماعی و رونـد جامعه انقلابی ما در این خصوص پیش روی نهد و در این دست مسایل خط امام را هر چند به اجمال ترسیم کند. ان شاء الله .

بخش اول : انسان شناسی و کلام

یکم : انسانیت ، عنصر مساوی و مشترک

یکی از الگوهای اساسی در دین شناختی مسایل زنان ، که می توان با نگرشی کلامی از آن سخن گفت این اصل است که زن و مرد در حقیقت انسانی و آنچه وجه تمایز میان این حقیقت با سایر انواع می باشد، هیچ تفاوتی ندارند. هر دو از یک حقیقت مشترک سرچشمه گرفته و از یک حقیقت برخوردارند و آن همان است که این موجود دارای حیات را از دیگر جانداران جدا می سازد و حقیقت وجودی وی قائم و بسته به آن است . حقیقتی که در اشاره به آن از تعابیری چون من ، تو، او، خود، خویشتن و نفس به صورت مطلق بهره می بریم و همان که محور تعلق تکالیف و حقوق قرار می گیرد. آنچه آدمی را از دیگر انواع جاندار متمایز می سازد حقیقت انسانی او است و آنچه در مرحله تکلیف و مسؤ ولیت ، مخاطب قرار می گیرد همان حقیقت است . به عبارت دیگر همان حقیقتی که آدمی را در مرحله تکوین و شکل گیری حقیقت وجودی وی ، اساس هستی او و مایه تمایز او است ، همان حقیقت در مرحله تشریع و مسؤ ولیت دهی و پاسخگویی نیز ملاک و مخاطب قرار می گیرد و تکلیف متوجه او می شود و اعضا و جوارح تنها ابزاری برای عمل به تکلیف هستند. قرآن کریم در هر دو مرحله ، به صراحت تفاوت

میان زن و مرد را نفی می کند؛ هم آنگاه که از جایگاه انسانی زن و مرد در مرحله شکل گیری حقیقت وجودی آن دو سخن می گوید، منشاءیی مشترک و حقیقتی یکسان را یادآور می شود و هم در مرحله اصل تکلیف و عمل ، آن دو را به عنوان عنصر انسانی مخاطب می سازد و در مقام ارزشگذاری و پاداش عمل یکسان می نگرد. قرآن کریم هر دو نکته را در این آیه جمع کرده است :

یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل التعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم . (۸)

بخش نخست آیه اشاره به خاستگاه اولیه آدمیان دارد که همه از یک نر و ماده آفریده شده اند و بخش نهائی آن ملاک ارزشگذاری و برتری آدمیان علی رغم داشتن حقیقت مشترک را بیان می کند. ملاکی که کاملا در اختیار و به اراده خود آنان است ؛ یعنی عمل ، اگر تفاوتی هست نه به خاستگاه و حقیقت مشترک آن دو بلکه به واقعیات و ارزشهایی برمی گردد که با کمال اختیار و خواست خویش به آن جامه وجود می پوشند. قرآن کریم در جای دیگر، پس از آنکه نحوه نگرش خردمندان به آفرینش آسمانها و دستاورد نگرش اندیشمندانه آنان همراه با خضوع و کرنش در مقابل حضرت حق و اندیشناکی آنان از عمل خود که موجب نگرانی ایشان نسبت به آینده است و در نتیجه پناه جستن به ذیل رحمت و غفران الهی را بازگو می کند، پاسخ خداوند را این گونه بیان می فرماید :

فاستجاب لهم ربهم انی لا اضیع عمل عامل منکم

من ذکر اءو انثی بعضکم من بعض ؛ (۹)

خدایشان خواسته آنان را اجابت کرد که من عمل هیچ عمل کننده از شما را، مرد باشد یا زن ، ضایع و تباه نخواهم ساخت ، همه از هم هستید.

این همان حقیقت و اصل است که حضرت امام خمینی بر آن تاءکید دارد. آنجا که می فرماید :

تاریخ اسلام گواه احترامات بی حد رسول خدا (ص) به این مولود شریف (حضرت فاطمه (ع)) است تا نشان دهد که زن ، بزرگی ویژه ای در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد کمتر نیست . (۱۰)

قرآن کریم نه تنها بر یکسانی میان زن و مرد در حقیقت انسانی تاءکید دارد بلکه اساسا آن را یکی از نشانه ها و آیات الهی همچون آفرینش آسمانها و زمین و آفرینش اصل آدمی و تفاوت زبانها و رنگهای آدمیان می شمارد و در ردیف برشماری آیات الهی به یکسانی میان زن و مرد از نقطه نظر انسانیت و حقیقت وجودی ، اشاره می کند و همین همسانی را مایه سکوت و انس و الفت می شمارد و اگر جز این بود چگونه می توانست دستمایه سکونت و آرامش غریزی آدمیان باشد :

و من آیاته اءن خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه ، ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون . (۱۱)

تعبیر من انفسکم یعنی آفرینش از حقیقت و جنس خودتان ، هم از آیات الهی است ، هم مایه سکونت آدمی است ، و هم دستمایه اندیشه ورزی اندیشمندان به همان سان که آفرینش آسمانها و زمین مایه و زمینه

اندیشه آنان و دستیابی به ایمان برتر و حقایق بیشتر است ، یکسانی و همسانی زن و مرد نیز چنین دستمایه ای را برای اندیشه ورزی آنان فراهم ساخته است .

حضرت امام در تاءکید بر همین حقیقت در جای دیگر می فرماید :

از (نظر) حقوق انسانی ، تفاوتی بین زن و مرد نیست زیرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد، بله در بعضی از موارد تفاوتهایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط ندارد. (۱۲)

بنابراین هر آنچه که در تعارض با این حقیقت مسلم قرآنی و اسلامی باشد حتی اگر در منابع دینی یا تاریخی جای گرفته است نمی تواند مورد قبول باشد. وقتی آیات متعددی که فقط بخشی از آن در اینجا آمد، زن و مرد را در حقیقت و هویت انسانی یکسان می شمارد و خاستگاه آن را یک زن و یک مرد به یکسان معرفی می کند، دیگر زن را نمی توان فقط به عنوان یک حامل و ظرف وانمود کرد چنان که برخی گفتند : و انما امهات الناس اوعیه ؛ مادران ظرفهایی بیش نیستند! و یا آن دیگری که در تعریضی سیاسی گفت :

بنونا بنو ابنائنا و بناتنا بنوهن ابناء الرجال الاباعد ؛

فرزندان ما فقط فرزندان پسران ما هستند، اما فرزندان دختر ما فرزندان مردان بیگانه اند!

چه اینکه پذیرفته نیست در مقام تحقیر شخصیت انسانی زن و کاستن از وزن حقیقت و هویت وجودی وی ، او را طفیلی و زائده ای از گل وجودی حضرت آدم (ع) بشماریم . حتی اگر در ظاهر

برخی متون دینی آمده باشد. و از همین روی است که می خوانیم امام صادق (ع) وقتی با چنین گفته ای و باید گفت با چنین خرافه ای مواجه می شود به شـدت برخورد می کنـد. ملاحظه فرمایید این روایت را که زراره ، آن محدث و عالم فرزانه ، نقل می کند :

سئل ابو عبـدالله (ع) عن خلق حواء و قیل له : ان اناسا عندنا یقولون : ان الله عزوجل خلق حواء من ضـلع آدم الایسـر الاقصـی ، فقـال : سـبحان الله و تعـالی عن ذلـک علوا کبیرا! اء یقول من یقول هـذا : ان الله تبارک و تعالی لم یکن له من القـدره ما یخلق لآدم زوجه من غیر ضـلعه ؟! و یجعـل للمتکلم من اهـل التشـنیع سبیلا الی الکلام اءن یقول ؛ ان آدم کان ینکـح بعضه بعضا اذا کانت من ضلعه ! ما لهؤ لاء؟! حکم الله بیننا و بینکم ... (۱۳)

کسی از امام صادق (ع) درباره آفرینش حوا پرسش کرد و گفت : ما دسته ای مردم را داریم که می گویند : خدای عزوجل ، حوا را از آخرین دنـده چپ آدم آفریـد، امـام (ع) فرمود خداونـد از این سـخن براستی که منزه و برتر است آیا کسـی که این حرف را می زند، معتقد است که خدای تبارک و تعالی توان نداشت که برای آدم همسـری را از غیر دنده او بیافریند؟ و راه را برای سـرزنش گران باز می کنـد تا بگوینـد : آدم اگر همسـرش از دنده او بوده است پس خودش با خودش آمیزش می کرده است ؟! این

گویندگان را چه شده است ؟! خدا میان ما و آنان داوری کند...

دوم : خوشبختی ، فراراه همه

از بدیهی ترین الگوهای دین شناختی ، در باورهای دینی ، یکسانی زن و مرد در دستیابی به هدایتی است که در منطق دین مایه خوشبختی واقعی است . راه سعادت به روی همه گشوده است . کالای خوشبختی در بازار ایمان و عمل ، در معرض گزینش و خرید همگان است ، بی هیچ تفاوتی میان مرد و زن . قرآن و اساسا دین ، مایه هدایت انسان است و انسان است که مخاطب آیه های هدایت و سعادت است و جنسیت از عوارض بیرونی و خارج از مقام تکلیف به هدایت و تشویق به کسب سعادت است . قرآن خود را هدی للناس می شمارد. چه اینکه خود را هدی للمتقین می داند و تقوا پیشگی را در انحصار هیچ کس نمی داند. آدمی ، بی هیچ تفاوتی میان زن و مرد، مکلف به هدایت است . آدمی در طریق هدایت ، راهی جز تقوا ندارد و مگر هدایت جز تقوا و خداباوری و خداترسی و خداخواهی چیز دیگری است . آدمی ، چه زن و چه مرد، می تواند آرزومند سعادت جاودانه باشد. این راهی است که او برمی گزیند :

انا هدیناه السبیل ، اما شاکرا و اما کفورا . (۱۴)

و این ، چنان که اشاره شد، از قطعی ترین و بدیهی ترین آموزه های دینی و عقلی است جز این در نظام آفرینش که آفریدگان آن آدمی را از سر حکمت ، و با اختیار و اراده عمل و نمایاندن راه و بشارت و انذار آفریده است

، نمی تواند باشد.

یکی از تعبیرهـای زیبـای قرآن درباره سـعادت حقیقی که ادیان الهی همه به آن سو فرا خوانـده انـد حیاه طیبه است ؛ زنـدگی پاکیزه چه اینکه پاداش بهشت که جزای احسن الهی است بیان دیگری از این سعادت جاودانه است . قرآن کریم در چند جا به صراحت به گونه ای تشویق آمیز و در قالب ارائه یک اصل ، توجه می دهـد که کسـی که عمل صالـح را از سـر ایمان به جای آورد. چه مرد باشـد چه زن ، به آن حیات طیبه و به آن جزای احسن خواهـد رسـید و ذره ای درباره او سـتم نخواهـد شد. این آیات همین حقیقت تردیدناپذیر را بازگو می کند :

من عمل صالحا من ذکر او اءنثی و هو مؤ من فلنحیینه حیاه طیبه و لنجزینهم اءجرهم باءحسن ماکانوا یعملون . (۱۵)

و من عمل صالحا من ذکر او اءنثی و هو مؤ من فاولئک یدخلون الجنه یرزقون فیها بغیر حساب . (۱۶)

و من یعمل من الصالحات من ذکر اءو انثی و هو مؤ من فاولئک یدخلون الجنه و لا یظلمون نقیرا . (۱۷)

از این روی طی مراحـل رشـد و ارتقـای به مراتب بالاـتر انسـانی و دستیـابی به کمالاتی که مسـیری برای وصول به حیاه طیبه و جزای احسن الهی است ، امری انحصـاری نیست . عمـل صالـح عمـل مردانه نیست ، کمـا اینکه ایمان ، امری مردانه نیست . به همین حقیقت و به امکان طی منازل انسانی و کمالات وجودی اشاره دارد این سخن امام که می فرماید :

برای زن ابعاد مختلفه است . چنانچه برای مرد و برای انسان ، این

ورق صوری طبیعی نازل ترین مرتبه انسان است و نازلترین مرتبه زن است و نازلترین مرتبه مرد است . لکن از همین مرتبه نازل حرکت به سوی کمال است . انسان موجود متحرک است . از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیب ، تا فنا بر الوهیت . (۱۸)

اگر راه رشد و کمال یابی برای همه گشوده است ، قهرا جلوه های رشد و زمینه های اجتماعی آن نیز در انحصار قشری خاص نیست . هر آنچه در دستیابی به آن حیات طیب که قرآن به صراحت همه مؤ منان را به آن فرا خوانده است ، دخالت دارد مشترک میان زن و مرد است .

یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم . (۱۹)

عبادت و کرنش در مقابل خداوند از آن همه است ، دانش و هنر از آن همه است بروز و ظهور تواناییها و استعدادهای آدمی از آن همه است .

در علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ کس انحصار ندارد. علم مال همه است تقوا مال همه است و کوشش برای رسیدن به علم و تقوا وظیفه همه ماست و همه شماست . (۲۰)

سوم : عاطفه ، نقطه عطف زندگی

در تبیین چارچوب نگرش حضرت امام به مسایل زنان ، نوع نگاه و تحلیل ایشان نسبت به موضوعی که همواره در تحلیل برخی تفاوتهای حقوقی میان زن و مرد، به عنوان یکی از ویژگیهای بانوان مورد استناد قرار می گیرد قابل توجه است و می تواند به عنوان یک اصل در دین شناختی مسایل زنان و تحلیل شخصیت انسانی آنان از منظر امام مورد توجه قرار گیرد. قوت عاطفه و گستره احساسات

در بانوان که برخاسته از لطافت اولیه روح و متناسب با برخی موقعیتهای ویژه آنان است ، در مقایسه با قوت عقلانیت معاش و خطرپذیری مردان ، واقعیتی است که به صورت نوعی و اجمالاً انکارناپذیر است و این خود نشان از حکمت بالغه الهی در تدبیر امر آفرینش و سامان یافتن معاش آدمیان و احساس نیاز متقابل و نقش پذیری تکمیلی آنان ، دارد. به عنوان مثال ، تربیت و رشد فرزند و آمادگی برای پذیرش آن همه دشواری از نقطه آغاز تا بزرگ شدن فرزند و قدم گذاشتن به جامعه دشواریهای دوران حمل و بیدارخوابیها و رسیدگی به امر تغذیه و نظافت وی به انگیزه و توان و تحملی بیش از آنچه عقل تدبیر و حسابگری خرد پدید می آورد نیاز است . تنها عشق و عاطفه است که می تواند انگیزه و توان پذیرش آن همه دشواری را ایجاد کند و از آدمی ، عنصری خستگی ناپذیر بسازد که فرهادوار کوه سختیها را با سرپنجه عشق و احساسات خود از سر راه بردارد به نداهایی برخاسته از عمق جان و فراخوانهایی از پررمز و رازترین لایه های روح انسانی خود، نیازمند است تا او را به بی هیچ چشمداشتی به استقبال سختیها و ناگواریها وا دارد.

عقلانیت تدبیر و خرد زندگی چنین نیست که برای همه آن مراحل و همه دشواریها و خطرپذیریها تمکین کند و به قول مولانا :

پای استدلال چوبین بود

پای چوبین سخت بی تمکین بود

این است که در سخن زیبایی از امام باقر (ع) به نقل فرزند بزرگوارش امام صادق (ع) این واقعیت را چنین می خوانیم :

ان

الله تبارك و تعالی جعل للمراءه صبر عشره رجال ، فاذا حملت زادها قوه عشره رجال اخری ؛ (۲۱)

خدای تبارك و تعالی به زن صبر و تحمل ده مرد داده است ؛ و زمانی که باردار می شود، خداوند نیروی ده مرد دیگر را نیز به وی می دهد.

پرواضح است که وجه روشن این توان ، زور بازو و قدرت ماهیچه های بدن او نیست بلکه همان لایه های زیرین روح و عمق جان او است که او را قوت می بخشد و در مقابل سختیها مقاوم می سازد. این مصداقی از همان حقیقت است که حضرت امام صادق (ع) در سخن راهگشا و تاءمل برانگیز دیگری بیان فرموده است :

ما ضعف بدن عما قویت علیه النیه ؛ (۲۲)

هیچ تنی ، نسبت به آنچه که نیتی استوار و اراده ای قوی برای آن وجود داشته باشد، دچار ضعف و ناتوانی نمی شود.

آنچه مکمل خرد حسابگر مرد در راه بردن و تمشیت امر زندگی است و موجب می شود زن در برخی صحنه ها که از توان و انگیزه مرد بیرون است به ایفای نقش بپردازد همان لایه زیرین روح و عاطفه عمیق وی است که نقطه عطف زندگی در بسیاری صحنه ها و مراحل است . و در واقع صحنه گردان این نقشها چیزی جز همان سرپنجه قوی و استوار و نستوه عاطفه زن نیست ؛ همان که در رهنمود امام صادق (ع) قوت آن تا بیست برابر مرد شمرده شده است . و در سخن امام ، چنان که خواهد آمد، دارای تحملی چون عرش معرفی گشته است .

همین ویژگی روحی ،

وقتی در صحنه جامعه ، در قالب صحیح خود به ایفای نقش می پردازد، جلوه هایی از آیت الهی و حکمت ربانی را، هم در صحنه و هم در صحنه گردانی ، نشان می دهد، بارها حضرت امام از نقش صحنه گردانی بانوان در میدان مبارزه تا پیروزی سخن گفته اند که نمونه هائی را بازگو کردیم ، آنچه زمینه ای شد که در نگاه امام از منظر عاطفه به عنوان نقطه عطف زندگی ، به شخصیت زن و دین شناختی مسایل آنان بپردازیم ، سخنی دیگر از آن بزرگوار است که جلوه دیگری از ایفای نقش عاطفه بانوان در صحنه است ، و براستی چه کسی را سراغ داریم که وقتی از قوت عواطف و احساسات بانوان سخن می گوید در این سطح و به عنوان یک نقطه قوت و یک محور امتیاز، به تحلیل و تفسیر آن بپردازد؛ عاطفه ای که در خدمت جنگ و جهاد مقدس قرار می گیرد و ره توشه مجاهدانی می شود که در پشت جبهه و در واقع ، در پشت صحنه ، دستهای عاطفه و ایمان بانوانی را می بیند که نقش جهاد و پیروزی و شهادت را در دل آنان رقم می زنند :

عواطفی که در بانوان هست مخصوص خودشان است و در مردها این عواطف نیست و لهذا آن چیزی که در پشت جبهه از روی عواطف از بانوان صادر می شود بیشتر و بالاتر و ارزنده تر است از آن چیزی که از مردها صادر می شود به موجب عواطفی که بانوان دارند آنها برای جبهه کارهای بسیار مفید انجام داده اند و انجام

می دهند و از همه مهمتر اینکه بانوان بعد از انقلاب با تمام کوشش و حفظ عفت و حفظ جهات اسلامی ، همقدم بلکه پیشقدم در امور کشور بوده اند. (۲۳)

بخش دوم : خانواده تربیت

چهارم : زنان ، زیربنای فضیلتهای انسانی

در جایگاه تربیت و رشد انسانی جامعه ، تردیدی نیست بانوان نقشی تعیین کننده و بی بدیل دارند، به روشنی پیداست که این نقش نمی تواند امری تشریفاتی و یا حتی قراردادی باشد. دست حق در نظام زیبا و حکیمانه آفرینش ، زن را در چنین جایگاه و طبعا در چنین مسؤ ولیتی قرار داده است . جایگاهی که هیچ قانون و قراری نمی تواند کلیت آن را نادیده بگیرد و هیچ شانه ای نمی تواند به جز خود وی ، این مسؤ ولیت را بر خود نهد. این است که از آن به نقش بی بدیل یاد می کنیم . و این چنین است که سخن امام در این باب که بارها نیز بر آن تاءکید ورزیده اند، بیانی از یک واقعیت تکوینی در نظام احسن وجود و آفرینش آدمی و مناسبات انسانی اجتماعی آدمیان است و ترجمه ای است از آنچه در منابع دینی و نظام تشریع در شریعت مقدس آمده است . اگر خدای تبارک و تعالی با صفت رب پرورش دهنده و رشد دهنده جهان و جهانیان است ، زن نیز در نظام الهی چه نظام تکوین و هستی و چه دستگاه تشریع و بایستی ، مظهری از همین وصف و نام می باشد.

در سخن کوتاه اما پربار و آسمانی حضرت صادق (ع) آمده است :

اکثر الخیر فی النساء؛ (۲۴)

بیشترین خیر و خوبی در وجود بانوان است .

جلوه ای

از این کلام آسمانی در سخنان امام این گونه آمده است :

زن مربی جامعه است . از دامن زن انسانها پیدا می شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح ، از دامن زن است . مربی انسانها زن است . سعادت و شقاوت کشورها بسته با وجود زن است ، زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می کند. مبداء همه سعادتها از دامن زن بلند می شود زن مبداء همه سعادتها باید باشد. (۲۵)

همین حقیقت را حضرت امام در جای دیگر با تعبیر عنصر تابناکی که زیربنای فضیلتهای انسانی و ارزشهای والای خلیفه الله در جهان است (۲۶) بازگو می کنند و برخاسته از همین حقیقت است که پیامبر اکرم (ص) دختران را بهترین فرزندان آدمی می شمارند :

خیر اولادکم البنات . (۲۷)

حضرت امام ، با اشراف عمیق و همه سویه ای که بر شریعت مقدسه از یک سو، و مناسبات اجتماعی تربیتی جامعه دارند، یکی از محوری ترین آموزه های خویش را در باب مسایل زنان و جایگاه خانوادگی و اجتماعی آنان همین موقعیت اساسی و زیربنای برای آنان می شمارند و سخت بر آن تاءکید می ورزند. جالب است که در اشاره به اهمیت این جایگاه ، آن را با مقام تربیتی قرآن قرینه سازی می کنند؛ هم قرآن را انسان ساز می شمارند و هم بانوان را :

قرآن کریم انسان ساز است و زنان نیز انسان ساز، اگر زنان شجاع و انسان ساز از ملتها گرفته شوند، ملتها به شکست و انحطاط کشیده می شوند. (۲۸)

از این رو، به آن

دسته از گفته هایی که زنان را سرچشمه هر فساد و آلودگی و گناه و در یک کلمه منشاء شر و تیره بختی آدمیان معرفی می کنند حتی اگر در میان برخی منابع دینی باشد، باید کاملا به دیده تردید نگریست و حداقل در برابر ظواهر آن متون ، باید ایستادگی کرد و به گونه ای از آنها بهره جست که در تعارض آشکار با مبانی قطعی قرآنی و دینی نباشد. فضیل که از یاران امام صادق (ع) است سخنی از مردم جامعه خود را که اینک نیز در فرهنگ ما بی رونق نیست ! برای آن حضرت (ع) باز گفت .

سخن این بود که مردم می گویند : در قیامت بیشتر دوزخیان ، زنان هستند! امام (ع) در رد این گفته به پاسخی نقضی و قابل فهم برای همه اکتفا کردند و فرمودند : این چه بیجایی است ؟! در حالی که گاه یک مرد در آخرت ، با هزار نفر از زنان دنیا در کاخی از در یکپارچه ازدواج می کند!

قلت له : شی ء یقوله الناس : ان اکثر اهل النار یوم القیامه النساء. قال : و انی ذلک و قد یتزوج الرجل فی الاخره الفا من نساء الدنیا فی قصر من دره واحده ؟! (۲۹)

پنجم : انسان ، نیازمند الگو

در دین شناختی شخصیت و مسایل زنان ، یک امر حیاتی ، مساءله الگو سازی و الگو دهی است . برای کمتر کسی تردیدی در نقش تربیتی و سازندگی الگوها در زندگی آدمی وجود دارد. اگر هیچ تحلیل روانشناختی و دلیل علمی بر نقش اساسی الگوها در شکل گیری شخصیت فرد و

نحوه سلوک او و نیاز همه جانبه ای که به الگوها دارد، وجود نداشته باشد جز همان تجربه گسترده ای که هر فرد در زندگی شخصی در این خصوص دارد و احساس نیاز به الگو و تاءثیر آن را عملاـ و از درون در خود یافته و می یابد، در ضرورت اهتمام به این مهم کفایت می کند، بویژه برای کسانی که احساسات و عواطف قوی و پرتاءثیر آنان احساس الگوخواهی و زمینه تاءثیرپذیری از الگوها را در آنان دوچندان می سازد، آدمی همواره یک نگاه او به واقعیت موجود خود است و نگاه دیگرش به نقطه ای است که خود را شایسته وصول به آن می داند یا لااقل آرزوی دستیابی به آن را دارد. یک چشم به کاستیها و استعدادهای کنونی و یک چشم به آرمانها، اهداف و وضعیت مطلوبی که برای خویش ترسیم می کند دارد. هر کس می کوشد فاصله میان واقعیت موجود و حقیقت مطلوب را به حداقل برساند و این اصلی است مشترک میان آدمیان و تردیدی در آن نیست . نیک می دانیم که آنچه میان آدمیان متفاوت است واقعیتهای متفاوت موجود و آرمانها و واقعیتهای بسیار متفاوت مطلوب است . هر کسی شخصیت و واقعیت وجود خویش را در آئینه آینده به گونه ای می بیند و یا می طلبد و یا لااقل آرزو می کند، حتی اگر آرزویی دست نایافتنی باشد. خوشبختی ، همان حقیقت مطلوب ، واژه ای نیست که همه یک معنا و یک تفسیر از آن داشته باشند، تلاش عمده پیامبران الهی (ع) و سرآمد همه آنان ، پیامبر خاتم (ص)

و اولیاء اسلام (ع) آشنا ساختن آدمیان با چهره واقعی خوشبختی یعنی همان حقیقت مطلوب است که کمال طلبی هر کس آن را فریاد می کند و در پی آن می باشد، آدمیان تفاوتشان در شکل دادن به شخصیت خود و نحوه سلوک و حیات ، در تفسیری که از این واژه محبوب ارائه می دهند و در مسیری که برای وصول به آن ترسیم می کنند و در عواملی که در این مسیر که گاه به درازای یک عمر است یار راه می شمارند و در سطح و عمق آگاهی آنان به آنچه در پی آنند می باشد. در اینها نیز تردیدی نیست . آنچه اینک در پی تاءکید برآنیم این است که آدمی همه ، هر کس به فراخور و به مقتضای جهان بینی ، باورها، و تحلیل و تفسیری که به اجمال یا به تفصیل از خوشبختی و حقیقت مطلوب خویش دارد، در نقطه ای از آینده زندگی خود که لزوما عنصر زمان در آن دخالت ندارد و در واقع در نقطه ای دیگر از شخصیت و حیات انسانی خود، نمونه یا نمونه هایی را در پیش چشم آینده نگر خود نصب می کند و آن را مرکز ثقل همت و تلاش خود قرار می دهد. نمونه هایی که از آن به عنوان الگو یاد می کنیم . الگوهایی که در شخصیت خویش و در شکل گیری کمالات انسانی خود، دستیابی به آن را هر چند نسبی ، امری شدنی می داند یا آرزوی آن را در سر می پروراند. الگویی که می تواند جامع خواستهای آرمانی و مطلوب

شخص باشد یا مجموعه ای از الگوها که در ترکیب خود، چهره ای از الگوی مطلوب شخص را ترسیم می کند. اینجاست که نقش الگو و میزان تاءثیر گذاری آن در شکل گیری و سلوک آدمی نمایان می شود. تلاش وی در هر چه بهتر شناختن الگو و پی بردن به راز و رمزهای موفقیت الگو و کوشش برای کنار زدن موانع و هماهنگ سازی و تطبیق خود با او و حتی و لااقل آرزوی پیشی گرفتن از او، آغاز می شود، آغازی که پایان ندارد، آغازی که در مسیر تا انتها و حتی پس از پشت سر گذاشتن الگو ادامه می یابد. الگوها به فراخور جاذبه ای که در شخص ایجاد می کنند نه فقط دستمایه نحوه شکل گیری شخصیت آدمی می شوند بلکه مایه ای برای تشخص اجتماعی و میزانی برای نمود بیرونی وی و معرفی او می گردند. بس است که شخص برای معرفی خود، الگوهای شناخته شده خود را بازگو کند. و این خود زمینه ای برای افتخار خوانیها و عاملی برای خط کشیهای اجتماعی و تمایز شخصیتی آحاد جامعه در میان خود و جوامع در سطح جهانی خواهد بود. و این قاعده ای است نه برای فرد بلکه برای هر جامعه ای که در هیاءت یک فرد یا یک هویت جمعی ظاهر می شود و از دیگر جوامع متمایز می گردد.

و نیک می دانیم آنچه نقطه مشترک و نخست در بحث الگو خواهی و الگو سازی است ، اصل این نیاز و اصل تاءثیر بخشی و اصل فراگیری و گستره آن به پهنای همه آدمیان است ، اما نوع

الگو، خوب یا بد، مثبت یا منفی ، ویرانگر یا اصلاح گر، همه و همه در مرحله بعد است و همین واقعیت است که کار مصلحان را دشوار می سازد و امر هدایت را در مسیری ناهموار می افکند و اینجاست که الگوهای کاذب رخ می نماید و جاذبه های وسوسه گروه دلفریب آن تشخیص سره از ناسره را بر بسیاری آدمیان دشوار می سازد و کار را بر مبلغان ارزشهای واقعی و تفسیر گران خوشبختی حقیقی سخت می سازد.

ادیان آسمانی ، و در چهره کامل آن ، قرآن کریم ، این زمینه غریزی و این نیاز فطری آدمیان را فرصتی بس مغتنم دانسته و همواره در کنار رهنمودهای خویش و در جهت رسالت هدایتگری خود، نمونه های عینی و الگوهای تجربه شده بشری را در پیش چشم آنان گذاشته و در وصف آنان سخن گفته و مستقیم و غیر مستقیم آنها را در همان نقطه هایی نصب العین آدمیان قرار داده که در دعوت خویش ، بشر را به آن نقطه می خواند؛ مثالها و نمونه هایی از میان خود آدمیان و از جنس آنان و در شکل و شمایل آنان . نمونه هایی عینی را در حیات و ممات الگو شمرده است و از هر فرصتی برای توجه دادن به آنان استفاده کرده است . تا آنجا که برای نگاه به چهره آنان و حتی برای نگاه به در خانه آنان ارزش قایل شده و در ادبیات دین ، برای آن ثواب برشمرده است

یکی از الگوهای دین شناختی درباره بانوان و مسایل آنان ، در نگاه حضرت امام خمینی بویژه با توجه به

قوت و گستره عواطف آنان ، که طبعا استعداد بیشتری در جذب به الگوها را پدید می آورد موضوع مهم و حیاتی الگوطلبی و الگوسازی و نقش شگرفت آن در شگل گیری شخصیت بانوان می باشد. و این در واقع تاءکیدی بر رویه روشن قرآن و متون دینی است که بارها و بارها مورد استفاده قرار گرفته است . آیات متعددی در قالبهای مختلف به این سنت الهی در هدایت بشر تکیه کرده و بارها نمونه های عملی و عینی از تاریخ و واقعیات هستی را با عنوان ضرب المثل بازگو نموده و به این شیوه نیز توجه داده است . گاه از شیوه خود این گونه یاد می کند :

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل لعلهم یتذکرون (۳۰)

برای مردم در این قرآن ، در هر زمینه ای نمونه و مثل آوردیم تا شاید یاد کنند و بپذیرند.

و گاه برای پیامبر (ص) مثالی را بازگو می کند تا برای مردم بیان کند. (۳۱)

گاه مثالها را به صورت عام و برای همه بازگو می کند و گاه نیز به الگوسازی و معرفی نمونه ، چه نیک و چه بد، از جمع زنان می پردازد. در دو آیه ، پشت سر هم نخست ، دو نمونه از زنان زشت کردار را که اتفاقا هر دو نیز در خانه وحی و در کنار پیامبری الهی بودند مثال می آورد؛ زن نوح و زن لوط، آن دو با اینکه به تعبیر آیه در عقد همسری و در اختیار دو نفر از بندگان صالح الهی بودند، اما این فرصت و موقعیت ، نتوانست زمینه ای

برای رشـد ارزشـهای انسانی و ارتقای معنوی آنان گردد. دست به خیانت زدند و نتیجه این شد که همراه دیگر دوزخیان راهی آتش شدنـد، سـپس برای مؤ منان ، آسـیه همسـر فرعون و مریم دختر عمران را به عنوان نمونه و الگو معرفی می کنـد که اولی علی رغم حضور در دسـتگاه فرعون به موسـی (ع) ایمان آورد و بهشت را و نجات از فرعون و رفتار او را طلب کرد و دیگری ، آن بانوی عبادت پیشه ای که خود نگهدار بود و عیسی (ع) را مادری کرد.

ضرب الله مثلاـ للـذین کفروا امراءت نوح و امراءت لوط کانتا تحت عبـدین من عبادنا صالحین فخانتاهما فلم یغنیا عنهما من الله شیئـا و قیـل ادخلاـ النـار مع الـداخلین و ضـرب الله مثلا للـذین آمنوا امراءت فرعون اذ قالت رب ابن لی عنـدک بیتا فی الجنه و نجنی من فرعون و عمله و نجنی من القوم الظـالمین و مریم ابنت عمران الـتی احصـنت فرجهـا فنفخنـا فیه من روحنـا و صـدقت بکلمات ربها و کتبه و کانت من القانتین . (۳۲)

حضرت امام می فرماید :

مـا بایـد سـرمشق از این خانـدان (خانـدان پیـامبر (ص)) بگیریم ؛ بـانوان ما از بانوانشان و مردان از مردانشان بلکه همه از همه آنها. (۳۳)

و در جای دیگر تاءکید می فرماید :

الگو حضرت زهرا سلام الله علیها است . الگو پیغمبر اسلام است . (۳۴)

معرفی صحیح و جامع الگوها

آنچه گفته شد تاءکیدی مجدد بر نکاتی است که برای همه روشن است و جای تردید نیست و حضـرت امام نیز بر همین اصل تاءکید دارند، آنچه نکته اساسی سخن می باشد،

تفسیر درست و تحلیل جامع از الگوهایی عینی است که اسلام ارائه کرده است . مهم ، پرهیز از یکسویه نگری و تلاش برای شناختن کامل و شناساندن درست به جامعه است .

مهم این است که اولا بتوانیم شخصیتهایی را که بحق به عنوان الگوهای جامع و اطمینان بخش و حتی متصل به وحی به جامعه معرفی می کنیم ، شاخصهای اسوه بودن در قالب ادبیات و فرهنگ قابل فهم و قابل عمل و تاءسی ارائه دهیم و این جز به مدد شناخت درست تاریخ و زمان ، و توان تفکیک میان محتوا و قالب شخصیت و سلوک انسان اسوه امکان نخواهد داشت به عنوان مثالی روشن و ساده همه می خوانیم که صدیقه کبرا (س) در خانه با آسیای سنگی دستی ، آرد تهیه می کرده است . محتوای اصلی قابل تاءسی این عمل چیزی جز ارزش خانه داری ، کمک به همسر، و تلاش برای تولید، نخواهد بود و قالب آن ، دستاسی است که حتی موجب جراحت دست آن بانوی بزرگ (س) می شود. دستاس ، خصوصیتی ندارد. در همان دوره نیز، این فرض که به شیوه ای دیگر از گندم ، آرد تهیه شود، چیزی از آن محتوا نمی کاست . آنچه زمان آن را عوض می کند قالبهایی است که ارزش محتوا را ندارد و لزوما قابل تاءسی نیست .

نمونه دیگر سخنرانی حضرت (س) در مسجد مدینه است . بروشنی پیداست محتوای قابل تاءسی آن ، نکاتی از قبیل ضرورت دفاع از حق ، پیشگیری از ستم ، شناساندن حقایق و معارف ، رسوا ساختن عاملان ،

گمراهی ، و در عین حال حفظ کرامت و عفاف و وقار زن مسلمان و نکاتی از این دست است . این محتوا می تواند در محیطی غیر مسجد باشد، در دانشگاه یا شرکت در اجتماعات مردمی و راهپیماییها، در مجامع جهانی در رسانه های گروهی ، در مجالس قانون گذاری و یا پیش از خطبه های نماز جمعه باشد و از همین منظر است که میان حضور صدیقه کبرا (س) در مسجد مدینه و سخنرانی در پس پرده ، با حضور آن بزرگوار به همراه علی (ع) و فرزندان در مقابل یکایک خانه های مهاجران و انصار در مدینه و تاءکید بر حقانیت علی (ع) و استمداد برای احقاق حقوق از دست رفته ، تفاوتی نیست .

این اولا، و ثانیا و مؤ کدا شرط دیگر آن است که تصویری جامع و گویا بی هیچ اعمال سلیقه ای از شخصیت الگو ارائه دهیم . جزئی نگری ، و معرفی تبعیض آمیز در ابعاد گوناگونی که شخصیت جامع الگو دارد، و یک یا چند بعد را تاءکید ورزیدن و ابعاد دیگر را به فراموشی سپردن ، بروشنی پیداست که اگر در کوتاه مدت نیز بتواند برخی اهداف مقطعی را برآورده سازد اما در دراز مدت نمی تواند پاسخگوی نیازهای همه جانبه جامعه باشد، و حتی اگر از منظر باورهای دینی نیز شخصیت الگو، از هر نظر مورد احترام و تجلیل باشد و علقه های قلبی مردم با وی قوت داشته باشد اما راهگشایی و هدایتگری مورد انتظار را نخواهد داشت . کوتاهی در معرفی درست و جامع از شخصیت الگو است که یک

دختر مسلمان ، از سر نادانی درباره اسلامی پخش می شود که موجب کمال تاءسف و تاءثر حضرت امام می گردد و به تعبیر ایشان انسان شرم دارد بازگو نماید و از نقطه نظر شرعی ، گوینده را تا لبه اعدام پیش می برد. (۳۵)

و اینچنین است که حضرت امام ، به شرح ابعادی از شخصیت و سلوک حضرت فاطمه (س) به عنوان شخصیت الگو می پردازد :

اگر شما زنها هم و زنهای ما هم همه ، کشور ما همه ، پذیرفتند که امروز روز زن است ؛ یعنی روز تولد حضرت زهرا که آن وقت و آن کمال و وضعیت را دارد، پذیرفتند که روز زن است به عهده شما مسائل بزرگی از قبیل مجاهده ، که حضرت مجاهده داشته است ، حضرت به اندازه خودش که در این ظرف کوتاه مجاهده داشته است ، مخاطبه داشته است با حکومتهای وقت ، محاکمه می کرده است حکومتهای وقت را شما باید اقتداء به او بکنید تا پذیرفته باشید که این روز، روز زن است یعنی روز تولد این حضرت روز زن است ، زهد و تقوا و همه چیزهایی که داشته است و عفافی که او داشته است و همه چیز شما باید اگر پذیرا شدید آن را تبعیت کنید و اگر تبعیت نکردید، بدانید که شما داخل در روز زن نیستید. (۳۶)

ششم : خانواده ، نهادی محوری و اصیل

وقتی از منظر نگاه امام خمینی به دین شناختی زنان و مسایل آنان می نگریم ، اصالت نهاد خانواده به عنوان مایه سکونت و انس جویی و محبت ورزی زن و شوهر و جایگاه امن و آماده تربیت فرزندان از

یـک سو، و شـرافت و مقـام مادری و مسؤ ولیت خطیر ولی بس پرارزش آن از سوی دیگر، جلوه ای ویژه و جایگاهی محوری دارد. عنـایت و اهتمام خاصـی که آن فقیه فرزانه و دین شـناس بزرگ تاریـخ اسـلام به این نهاد بویژه مقام مادری دارد، محور خـانواده مـادر را بروشـنی در نگـاه و انـدیشه هر کس که از منظر نگـاه امـام به این محور می نگرد، از نظر موقعیت آن و مسؤ ولیتهای ناشـی از آن ، به یکی از حیاتی ترین و زیر بنایی ترین نهادها و موقعیتهای بشری درمی آورد و از نظر شرافت و ارزش در قله خوبیها و سرآمد ارزشها قرار می دهد، و امام در این باب سخن بسیار دارد و در اینجا به اندکی بسنده خواهد شد.

مدینه فاضله ای که اسلام ترسیم می کند و جامعه مدنی و توسعه همه جانبه که اینک به عنوان یک آرمان جهانی برای ملتهای مختلف و از جمله امت بزرگ اسـلامی درآمده است ، بدون حضور سازنده و فعال نهاد مقدس خانواده و بدون منظور ساختن همه شروط و لوازمی که شکل گیری و تحقق خانواده مطلوب برای جامعه اسلامی ایجاب می کند امکان ندارد.

خـانواده به عنـوان یـک نهـاد فراگیر اجتمـاعی ، هسـته اولیه جـامعه به شـمار می رود و خاسـتگاه مـوقعیت ممتـاز و ویژه آن به خصوص جایگـاه مـادری ، فقـط رهنمودهـای دینی نیست . افزون بر آن همه آموزه هایی که در جهت شـکل گیری صـحیح ، تعیین مسؤ ولیتهـا، راه حل مشـکلات و تحکیم پیونـدهای خانوادگی ، صادر شـده است ، منافع و ارزشـهای گسترده ای که در این

نهـاد هویـداست ، به عنـوان واقعیـاتی ملمـوس ، برای همگـان روشن است . این است که در سـخنی از حضـرت رضـا (ع) می خوانیم که اگر درباره ازدواج حتی آیه ای نازل نشده بود و سنت و روایتی نیز وجود نداشت ، همان نیکی به خویشان و انس و الفتی که با دیگران در آن وجود دارد به انـدازه ای هست که انسان عاقل و خردمند، به آن رغبت کند و انسان موفق و کاردان به سوی آن شتاب ورزد :

لو لم تکن فی المنـاکحه آیه منزله و لاـ سـنه متبعه ، لکـان مـا جعـل الله فیه من بر القریب و تـاءلف البعیـد، مـا رغب فیه الصاقل اللبیب و سارع الیه الموفق المصیب . (۳۷)

پیشتر آوردیم که قرآن کریم خاسـتگاه غریزی و فطری پیوند زناشویی و تشکیل این نهاد را آفرینش زن و مرد از یک حقیقت من انفسـکم و عشق و مهربـانی موده و رحمه و آرامش خاطر لتسـکنوا الیها می شـمارد و آن را از جمله آیات الهی معرفی می کند. (۳۸) و در جـای دیگر جایگاه زن و شوهر و نسـبت میان آن دو را با اسـتعاره زیبا و گویای لباس یکـدیگر بودن بیان می کنـد. در این نهاد، مرد در موقعیتی قرار می گیرد که به بیان نبوی (ص)، پس از اصل دین ، فایـده ای برتر و منفعتی بزرگتر از داشـتن همسـری مسـلمان و سازگار و مسؤ ولیت شـناس ، نبرده است . و زن پس از اصل دین که نیاز فطری انسانها و حاکم بر همه آنهاست ، تا بالاترین مرتبه برکت و سودمندی قرار می

گیرد :

ما استفاد امرؤ مسلم فائده بعد الاسلام افضل من زوجه مسلمه ، تسره اذا نظر اليها، و تطيعه اذا امرها و تحفظه اذا غاب عنها فى نفسها و ماله . (۳۹)

قداست این نهاد، برخاسته از جایگاه آن و عنایت ویژه ای است که خداوند بزرگ در قلم تکوین و رقم تشریع به آن داشته و دارد. بنگرید این سخن شریف پیامبر (ص) که هیچ نهادی در اسلام را در پیشگاه خداوند دوست داشتنی تر و عزیزتر از نهاد خانواده و پیوند زناشویی نمی داند :

ما بنى فى الاسلام بناء احب الى الله تعالى و اعز من التزويج . (۴۰)

و قداست و شرافت آن از یک سو تا آنجاست که اگر مرد بدون هیچ مانعی ، با اینکه در محل خود به سر می برد، شب را در بیرون از خانه به سر برد و در جای دیگر استراحت کند، در سخن امام (ع) عین نامروتی و خلاف جوانمردی است . (۴۱)

و از سوی دیگر در سخن نبوی (ص) و رهنمود علوی (ع) برای زن به مثابه صحنه جهادی است که او جهادگر آن میدان است . (۴۲) و ارزش رساندن یک جرعه آب به همسر به جز پاداش اخروی ، از یک سال روزه داری و شب زنده داری برتر است . (۴۳)

بارها حضرت امام در تاءکید بر اینکه اسلام دین زندگی است و برای همه زوایا و جوانب زندگی برنامه و چارچوب دارد، مثال تشکیل خانواده را شاهد آورده است :

احکام شرع ، حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می سازد. در این

نظام حقوقی ، هر چه بشر نیاز دارد فراهم آمده است ؛ از طرز معاشرت با همسایه و اولاد و عشیره و قوم و خویش و همشهری ، و امور خصوصی و زندگی زناشویی گرفته تا مقررات مربوط به جنگ و صلح و مراوده با سایر ملل ، از قوانین جزایی تا حقوق تجارت و صنعت و کشاورزی ، برای قبل از انجام نکاح و انعقاد نطفه قانون دارد و دستور می دهد که نکاح چگونه صورت بگیرد و خوراک انسان در آن هنگام یا موقع انعقاد نطفه چه باشد، در دوره شیر خوارگی چه وظایفی بر عهده پدر و مادر است و بچه چگونه باید تربیت شود، و سلوک مرد و زن با همدیگر و با فرزندان چگونه باشد. برای همه این مراحل دستور و قانون دارد تا انسان تربیت کند. (۴۴)

شرح این حقیقت بارها در کلام حضرت امام آمده است ، از جمله :

شما وقتی اسلام را ملاحظه می کنید به حسب ابعاد انسانیت او، طرح دارد، قانون دارد، از قبل از اینکه انسان به این دنیا بیاید، قبل از اینکه پدر و مادر انسان ازدواج کند، طرح دارد برای اینکه این بذر را خوب تربیت کند، طرح دارد اسلام . زن را چه جور انتخاب کنید، شوهر را چه جور انتخاب کنید، در وقتی که ازدواج می کنید چه وضع باشد، با چه آداب باشد، در وقت لقاح چه آداب باشد، در وقت حمل چه آداب باشد، مثل یک زارعی که یک تخم زراعت را می کارد و مواظبت می کند که زمین خوب باشد، آب ، آب سالم باشد، به موقع

برسد، سایر تربیتها تربیتهای نباتی باشد که درست تربیت بشود، اسلام برای تربیت انسان از قبل ازدواج پدر و مادر شروع کرده است ، زمین را یک زمین سالم مطهر می خواهد باشد، زوج را یک زوج سالم صحیح انسان صفت انتخاب بکنند. بعد هم آداب دیگر تا وقتی که متولد می شود و آداب رضاع و آداب حمل و رضاع و تربیت در دامان مادر و تربیت در پیش پدر و تربیتهای بعدی که دنبال این می آید. (۴۵)

هفتم : شرافت مادری ، ارزشی بی همتا

شاءن مادری ، و شرافت و مسؤ ولیتی که این جایگاه دارد و توجه ویژه ای که در متون دینی به منزلت مادر، نقش و تاءثیر گذاری آن ، و طبعا مسؤ ولیتهای وی شده ، انعکاس خاصی در بیانات حضرت امام یافته است تا آنجا که عطوفت و رحمت نهفته در دیدگان مادر را، بارقه رحمت و عطوفت رب العالمین شمرده و یک شب مادر نسبت به فرزند را از سالها عمر پدر ارزنده تر دانسته است . خداوند بزرگ ، در قرآن کریم در دو مورد وقتی سفارش احسان و نیکی به پدر و مادر را یادآور می شود به دوران دشوار بارداری مادر و تولد فرزند و شیرخوارگی آن اشاره می کند و در یک مورد آن ، از انسان می خواهد که شکرگزار او و پدر و مادرش باشد. (۴۶)

و بروشنی پیداست که چرا حضرت امام ، شغل مادری را شریفترین شغل می شمارند :

این مادر که بچه در دامن او بزرگ می شود، بزرگترین مسؤ ولیت را دارد و شریفترین شغل را دارد، شغل بچه داری . شریفترین شغل در

عالم بزرگ کردن یک بچه است و تحویل دادن یک انسان است به جامعه ، این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برای انبیا فرستاد در طول تاریخ از آدم تا خاتم انبیا امدند انسان درست کنند. (۴۷)

و اینچنین است که در سخن نبوی (ص) هیچ شیری برای فرزند بهتر از شیر مادر نیست :

لیس للصبی لبن خیر من لبن امه . (۴۸)

و ارزش دوران بارداری و شیردادن ، با مرزبانی در راه خدا برابری می کند و اگر این دوران دشوار منجر به فوت مادر شود، جایگاهی چون شهید خواهد داشت و این سخنی است که به نقل امیرالمؤ منین (ع)، پیامبر اکرم (ص) در پاسخ زنی فرمود که پرسید : پس زنان را از ارزش جهاد چه بهره ای است ؟ (۴۹)

التزام به نگرشی که حضرت امام به دین و معارف اسلامی دارد و شناخت الگوهای رفتاری دینی از منظر آن بزرگوار، در گرو شناخت همه اندیشه ها و رهنمودهای امام و پایبندی به همه آموزه های ایشان است . تنها نگاهی کوتاه به بیان امام در شرح شاءن مادری و مسؤ ولیت خطیر آن و رسالتی که هیچ چیز نمی تواند جایگزین آن گردد و نیز شرافت و ارزشی که این جایگاه در نگاه امام به فراخور اهمیت و نقش آن دارد، هیچ تردیدی باقی نمی گذارد که مادری و مسؤ ولیتهای ناشی از آن ، یک محور اساسی و بدون جایگزین در حرکت جامعه اسلامی و سلامت آن می باشد و هر چقدر به دانش و آگاهی و رشد و پیشرفت جامعه افزوده گردد

بایـد این رکن ، و طبعا لوازم و مقتضـیات آن بیشتر مراعات شود. یک جامعه اسـلامی و انقلابی که به تعادل رفتاری و آگاهی درست و بینش توحیـدی همه جانبه دست یافته باشد همواره در سیاسـتگذاریها و برنامه ریزیهای خود، شاءن و مسؤ ولیت و نیز شرافت و ارزش مادری را یک اصل محوری و بی بدیل می شـمارد و به مقتضای آن به تنظیم مناسبات اجتماعی و سامان دادن امر جامعه و مردم و حکومت می پردازد؛ اصـلی جاری در همه صـحنه ها و حاکم بر همه برنامه ریزیها. زیربنای معرفتی و دینی و ارزشـی این امر کاملا روشن است . همه تلاشـهای فردی و اجتماعی حتی تشـکیل حکومت در نگاه دین ، باید در یک نقطه به هم برسـند و پیونـد بخورنـد و آن هـدایت و تربیت انسـان است . اسـلام نیز برای ساختن انسان آمـده است . کتاب آسـمانی اسـلام که آن قرآن مجیـد است ، کتاب تربیت انسان است (۵۰) و چه کسـی شایسـته تر و مؤ ثرتر از مادر برای این هـدف چه اینکه اگر انسان زاده نشود، موضوعی برای هدایت وی و رسالت دین باقی نمی ماند و اینچنین است که حضـرت امام در شرح این شـاءن و در تبیین همین نقش و مسؤ ولیت ، چنان که به اشاره گـذشت ، در فرازی بسـیار زیبا و از منظری عرفانی تربیتی به فرزند خود مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی می نویسند :

حقوق بسیار مادرها را نمی توان شمرد و نمی توان به حق ادا کرد یک شب مادر نسبت به فرزندش از سالها عمر پدر

متعهـد ارزنـده تر است . تجسم عطوفت و رحمت در دیدگان نورانی مادر، بارقه رحمت و عطوفت رب العالمین است . خدای تبـارک و تعـالی قلب و جـان مـادران را بـا نـور رحمت ربـوبیت خـود آمیخته آن گـونه که وصف آن را کس نتوان کرد و به شنـاخت کسـی جز مـادران در نیایـد و این رحمت لاـیزال است که مـادران را تحملی چون عرش در مقابل رنجها و زحمتها از حال اسـتقرار نطفه در رحم و طول حمل و وقت زاییدن و از نوزادی تا به آخر، مرحمت فرموده ، رنجهایی که پدران یک شب آن را تحمل نکننـد و از آن عاجز هسـتند. اینکه در حـدیث آمده است که بهشت زیر قدمهای مادران است (۵۱) یک حقیقت است و اینکه با این تعبیر لطیف آمده است برای بزرگی عظمت آن است و هشـیاری به فرزندان است که سعادت و جنت را در زیر قدم آنان و خاک پای مبارک آنان جسـتجو کنید و حرمت آنان را نزدیک حرمت حق تعالی نگهدارید و رضا و خشنودی پروردگار سبحان را در رضا و خشنودی مادران جستجو کنید. (۵۲)

و صد البته ، چنان که در کلام امام صادق (ع) آمده است ، خوشا به حال کسی که مادرش پاکدامن و عفیف باشد. (۵۳)

جلوه ای از این سـخن جعفری (ع) را در این فراز از سـخنان امام می خوانیم ؛ فرازی که اسـتدلالی روشن و انکارناپـذیر را در خود دارد و بارها حضرت امام در این باره سخن گفته اند :

شما خانمها شرف مادری دارید که در این شرف از مردها جلو هستید و مسؤ ولیت

تربیت بچه در دامن خودتـان داریـد. اول مـدرسه ای که بچه دارد دامن مـادر است . مادر خوب ، بچه خوب تربیت می کنـد و خدای نخواسته اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر منحرف بیرون می آید و چون بچه ها آن علاقه ای که به مادر دارنـد به هیـچ کس ندارنـد و در دامن مادر هسـتند تمام چیزهایی که دارنـد، آرزوهایی که دارنـد خلاصه می شود در مادر و همه چیز را در مادر می بینند، حرف مادر، خلق مادر، عمل مادر، در بچه ها اثر دارد.

لامحاله یک بچه در دامن مادر که اول کلاس است ، این دامن اگر یک دامن طاهر پاکیزه مهـذب باشد، بچه از همین اول که دارد رشـد می کنـد بـا آن اخلاق صـحیح و با آن تهـذیب نفس و با آن عمل خوب رشـد می کنـد بچه وقتی در دامن مادرش هست می بینـد مادر اخلاق خوش دارد، اعمال صـحیح دارد، گفتار خوش دارد، آن بچه ها از همان جا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر که از همه تقلیدها بالاتر است و به تزریق مادر که از همه تزریقها مؤ ثرتر است ، تربیت می شود. (۵۴)

بخش سوم : جامعه و فرهنگ

هشتم : زن و مرد، نقش تکمیلی متقابل

یکی از نکات محوری در انـدیشه دین شـناختی حضـرت امام در حوزه مسایل زنان توجه به این اصل است که زن و مرد همان گونه که در نظام آفرینش و ساختار تکوینی زنـدگی آدمی نقش تکمیلی متقابل دارند و در این خصوص و با توجه به جایگاه و نقشی که هر یک از آن دو دارند، هیچ کدام فرع بر دیگری نیستند و تفاوت در نقش

به مقتضای حکمت بالغه الهی و ضرورت آن در نظام آفرینش ، به معنای اصل بودن یکی و فرعی تلقی شدن دیگری نیست ، در نظام تشریع و تنظیم مناسبات اجتماعی و جایگاه انسانی اجتماعی هر یک از آن دو نیز، مکمل یکدیگرند و یک محور اساسی در تحلیل و تبیین تفاوتهای قراردادی و اعتباری نیز همین نقشهای تکمیلی است که خاستگاه آن عمدتا تفاوتهای ساختاری هر یک در نظام آفرینش می باشد و در واقع یک تقسیم کار طبیعی را می طلبد.

خاستگاه بخشی از نقشهای متفاوت تکمیلی ، چنان که اشاره شد اقتضائات طبیعی هر یک از طرفین است . اما بخشی از آن نیز به عرف و عادات اجتماعی و اعتباراتی برمی گردد که فرد یا جامعه به هر دلیل آن را برای خود پذیرفته است . اینکه به عنوان مثال مادر، به صورت غریزی احساس می کند باید از کودک خود حمایت کند یا به او شیر بدهد، اعتباری و بسته به قراردادهای اجتماعی نیست ؛ با این تفاوت که در اولی با پدر مشترک است و در دومی تنهاست ، اما اینکه زن اجمالا نمی تواند بدون موافقت شوهر از خانه خارج شود یا شوهر نمی تواند بر خلاف قرار اولیه زن را از شهر محل سکونتش به جایی دیگر منتقل کند، اموری است که خود آنان در چارچوب قرارهای عام یا خاص پذیرفته اند.

بهر روی ، تردیدی نیست که موضوع نقش تکمیلی در نظام آفرینش آدمی ، و پیوندهای اجتماعی و تنظیم روابط انسانی ، از عامترین و ملموسترین موضوعات است و کسی اصولا در صدد تردید در این واقعیت

نیست تا نیازی به تاء کید بر آن باشد. آنچه مورد تاء کید است یکی این است که در ایفای نقش تکمیلی و در قرار گرفتن هر یک از زن و مرد در این جایگاه که مکمل دیگری می باشند، یکی اصل و دیگری فرع نیست ، یا هر دو اصلند یا هر دو فرع قرآن کریم به صورت عام و فراگیر همه انسانها را در خدمت یکدیگر می شمارد؛ خدمت متقابلی که زاییده نیاز متقابل است :

اهم یقسمون رحمه ربک نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیاه الدنیا و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضا سخریا و رحمه ربک خیر مما یجمعون ؛ (۵۵)

آیا اینان رحمت پروردگارت را قسمت می کنند! ما میانشان ، امکانات زندگی اشان را تقسیم کردیم و آنان را بر یکدیگر برتریهایی دادیم تا یکدیگر را به خدمت گیرند، و رحمت پروردگارت از آنچه آنان گردهم می آورند بهتر است .

مفاد آیه شریفه تقسیم بندی جامعه به افراد با درجه و افراد بی درجه ، یعنی افرادی که فقط یکدیگر را به خدمت و تسخیر می کشند و افرادی که فقط به خدمت و تسخیر دیگران درمی آیند نیست ، نیاز متقابل است که تسخیر متقابل را در پی دارد. شرایع الهی نیز در صدد هدایت بشر به تنظیم روابط و مناسبات عادلانه اجتماعی و معرفی حقوق متقابل اعضای جامعه بوده اند. تبیین تکالیف و مسؤ ولیتهای متقابل اجتماعی و تقسیم وظایف در جهت ایجاد روابط عادلانه ، کاری است که در حوزه مسؤ ولیت انبیاء الهی بوده است . نمود روشن ، عمیق و گسترده آن در شکلی سازمان یافته

همراه بـا حقوق و تکالیف معین ، در قالب نهاد خانواده شـکل می گیرد و ایفای نقش تکمیلی هر یک از زن و مرد و سـمت و سوی این رابطه تسـخیرآمیز، نه فقط در سـطح ایجاد زمینه های همزیستی مسالمت آمیز، بلکه پاسـخگویی به ندایی است که از عمق فطرت و از نهان عواطف ، غرایز و وجود آدمی به گوش می رسـد و مایه آرامش و سـکونت نفس را می طلبد. (۵۶) این است که قرآن کریم در خصوص رابطه و نقش تکمیلی زن و مرد، طبعا در چارچوب نهاد خانواده ، آن را مایه سکونت طرفین و در فضایی آکنده از مودت و مهربانی می شمارد :

و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه . (۵۷)

و همین نقش را در شکلی کاملا رسمی ، در قالب روابط همسری با این بیان که هر کدام لباس دیگری است بیان می دارد :

هن لباس لکم و انتم لباس لهن . (۵۸)

و یا آنگاه که بر این اصل الهی تاءکید می ورزد که خداوند عمل هیچ عمل کننده ای را ضایع نمی کند، چه مرد باشد چه زن ، بلافاصله با تعبیر بعضکم من بعض به همزادی زن و مرد و نقش تکمیلی آن دو، ولی با یک خاستگاه انسانی ، اشاره می کند. (۵۹)

جلوه ای از این نقش متقابل تکمیلی را در این فراز از بیانات حضرت امام به وضوح می بینیم :

خـدمت مردها هم بسـیارش مرهون خدمت زنهاست در مردها یک حسـی است که اگر ببینند زنها بیرون آمده از خانه ها برای یک

مقصدی ، اگر قوه شان یکی باشد، ده تا می شود و در مملکت ما این طور شود که بانوان همدوش بلکه جلوتر از مردها از خانه ها بیرون آمدند و در این راه اسلامی زحمت کشیدند و رنج دیدند، جوان دادند، شوهر دادند، برادر دادند، معذلک رنج کشیدند، عمل کردند، پشتیبانی از اسلام کردند و مردها هم بسیاری به تبع زنها این کار را کردند. (۶۰)

حضرت امام این واقعیت را با همین مضمون در چند جای دیگر نیز بیان کرده اند اما نکته قابل توجه آن است که ایشان یک عامل اساسی در حرکت و قیام خودشان و استمرار آن را همین حضور و فداکاری بانوان می شمارند. یعنی حضور و حرکت زنان ، انگیزه حرکت امام و ادامه آن . این نکته ای بود که حضرت امام در ۱۳ بهمن ۵۷، یک روز پس از بازگشت به ایران یادآور شدند :

روز سکوت نیست ، روز فعالیت است ؛ هر کس در هر منصبی که هست ، در هر مقامی که هست نباید ساکت باشد، این فریادی که اینها می زنند، زنها را شما ببینید چه فریاد می زنند، مردها چه فریاد می زنند، اینها پشتوانه شما هستند. شکر الله سعیهم اگر اینها نبودند، ما هیچ قدمی بر نمی داشتیم ، اینهایند که من را وادار می کنند به قدم برداشتن . (۶۱)

و اینچنین است که یک ماه پس از آن ، در حالی که انقلاب روزهای نخست پیروزی را می گذارند، همه را مرهون بانوان می شمارند :

ما همگی مرهون شجاعتهای شما زنان شیردل هستیم . (۶۲)

بنابراین ، زن و مرد، هم در

جامعه و روابط اجتماعی ، و هم در فضای خانه و در مناسبات خانوادگی ، دو وجود مکمل یکدیگرند و نه دو قطب مخالفی که وجود هر یک ، عرصه را بر دیگری تنگ می کند و به ناگزیر یکی باید حذف شود و یا کاملا در خدمت دیگری باشد. از این رو در شناخت و تنظیم مناسبات اجتماعی و خانوادگی میان زن و مرد و معرفی وجهه انسانی اجتماعی آنان ، حضور و نقش آفرینی هر یک بدون دیگری را باید ناقص شمرد و صد البته که انسانها در موقعیتها و شرایط متفاوت ، وظایف و حقوق متفاوت دارند و در کسب شایستگیهای ارادی چون ایمان علم ، تقوا و جهاد، کسانی برترند که شایستگی بیشتری کسب کنند، چه زن و چه مرد.

ما نهضت خودمان را مدیون زنها می دانیم . مردها به تبع زنها در خیابانها می ریختند، تشویق می کردند زنها مردان را. خودشان در صفهای جلو بودند. زن یک همچو موجودی است که می تواند... یک قدرت شیطانی را بکشد. (۶۳)

نهم : ارزشهای وجودی ، میزان شخصیت

یکی دیگر از الگوهای دین شناختی در حوزه مسایل بانوان ، توجه به ملاکها و معیارهای حقیقی در ارزشگذاری شخصیت و وزن انسانی و اجتماعی ، افراد است . آنچه حضرت امام ، در این خصوص یادآور شده اند جلوه ای از معیارهای روشن اسلام و تاءکیدی بر مفاد رهنمودهایی است که در آیات و روایات و در سیره معصومان (ع) آمده است . آنچه اساس شخصیت یک انسان را شکل می دهد فضایل و ارزشهایی است که در عمل اکتسابی خود و بر اساس اراده و تلاش

خویش به دست می آورد. عواملی چون رنگ ، زبان ، خویشاوندی ، و جنس ، تنها در شناخت آدمیان و تمایز میان آنان دخالت دارد و نه در میزان ارزشهای وجودی و شخصیتی . قرآن کریم وقتی از آفرینش آدمیان از یک مرد و زن سخن می گوید، هم ، یکسان بودن آنان در منشاء آفرینش را یادآور می شود و هم اینکه این منشاء، فقط مرد یا فقط زن نیست ، بلکه من ذکر و انثی ؛ مرد و زن با هم . آنچه خاستگاه تمایز در این مرحله و شاخه شاخه شدن و قبیله قبیله گشتن آدمیان یعنی و جعلناکم شعوبا و قبائل است ، امکان شناخت یکدیگر و تفاوت گذاری میان آنان در این مقطع است که جزء نخستین و ضروری ترین نیازهای زندگی اجتماعی و حتی خانوادگی است . همان که قرآن با تعبیر لتعارفوا از آن یاد می کند. تا اینجا، عوامل تمایز نوعا طبیعی و خارج از اراده و خواست اولیه خود افراد است و به هر حال ملاک و میزانی برای ارزشگذاری نیست و اینچنین است که در این مرحله هیچ تفاوتی میان آدمیان در پیشگاه خداوند نیست چرا که همه آفریده او و رابطه وجودی اشان با آفریدگار یکسان است . آنچه وجه تمایز و در واقع میزانی برای ارزشهای وجودی و شخصیتی انسان ، زن یا مرد، به شمار می رود همان است که قرآن در پی اشاره به یکسانی آفرینش و تفاوتهای طبیعی و خاستگاه آن ، با تعبیر ان اکرمکم عند الله اءتقیکم از آن یاد می کند. (۶۴) تقوا در معنای

حقیقی و گسترده آن که اینـک مجـال پرداختن به شـرح آن نیست ، شامل پایبنـدی به همه مقررات دینی و احکام الهی و همه ارزشـهای دینی می گردد. لذا اگر در جای دیگری از فضیلت جهاد و تفاوت مجاهدان و قاعدان سخن می گوید و تصریح می کنـد که خداونـد جهـاد گران را بر قعود پیشـگان ، برتری ویژه ای داده است ، در واقع یـک مصـداق روشن از تقوا پیشـگی و کسب ارزش جهاد است . (۶۵)

اگر از تمـایز میان عالم و جاهل و طبعا برتری عالم بر جاهل و در واقع ، علم بر جهل سـخن می گویـد، میزانی را ارائه می دهد که امری اکتسابی است و جنسـیت ملاکی برای دستیابی به آن نیست . (۶۶) آیات چندی نیز که تفاوتهای ارزشی میان آدمیان را یـادآور می شود، مثالهـا و نمونه هـایی را که شاهـد می گیرد اموری خـارج از جنسـیت است . خبیث و طیب (۶۷)، اعمی و بصیر و ظلمات و نور (۶۸) و زندگان و مردگان (۶۹)، بهشتیان و دوزخیان (۷۰)، مؤ من و فاسق (۷۱) و موارد چند دیگری که در عدم همسانی و تمایز آشـکار میان دو دسـته از مردمان بیان کرده است . (۷۲) فهم تفـاوت میان نمونه ها و تمثیلها نیز امری است وجدانی که قرآن به داوری وجدان خود مردمان وانهاده است و نیازی به استدلال ندارد.

اگر قرآن کریـم از تفـاوت و مراتـب متفـاوت آدمیـان در نظـام آفرینش نیز سـخن گفتـه ، یکی به این هـدف شـمرده است که تفاوتها، منشاء و موجب احساس نیاز متقابل و در نتیجه خدمت متقابل و تنظیم و

تقویت مناسبات و روابط اجتماعی باشد، و همه در خدمت هم باشند، (۷۳) و دیگری به این هدف که زمینه آزمون آنان فراهم آید. (۷۴) کما اینکه در تنظیم روابط اجتماعی و مناسبات میان آدمیان که طبعا بر اساس جعل و در چارچوب قرارهای اعتباری و نظام تشریع می باشد بر همسانی زنان و مردان در اختصاص داشتن دستاورد هر یک به خود، تاءکید می ورزد و هر یک از آن دو را صاحب ارزشها و سرمایه های مادی و معنوی خود می داند و کسی را نرسد که که چشمداشتی به سهم یا کسب دیگری داشته باشد :

و لا تتمنوا ما فضل الله بعضکم علی بعض للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن . (۷۵)

و اگر در جایی نیز پس از تاءکید بر یکسانی و همسانی حقوق با تکالیف زنان ، در چارچوب روابط زناشویی (به حدس قوی) یا فراتر از آن در مناسبات اجتماعی (به احتمالی)، به یک نوع برتری مردان بر زنان حکم داده است (۷۶)، در مقام تشریع و چارچوب تدبیر منزل یا تنظیم روابط اجتماعی اس که طبعا مسؤ ولیتهای سنگین تری متوجه مردان است و پر واضح است که این تمایز ربطی به ارزشهای اکتسابی هر یک از آن دو، در زمینه هایی که اسلام آنها را مایه ارزش می داند؛ ندارد. و به بیان علامه طباطبایی :

ان الاعمال التی یهدیها کل من الفریقین الی المجتمع هی الملاک لما اختص به من الفضل ، و ان من هذا الفضل ما تعین لحوقه بالبعض دون البعض کفضل الرجل علی المراه فی سهم الارث ، و

فضـل المراءه علی الرجـل فی وضع النفقه عنهـا، فلاـ ینبغی اءن یتمنـاه متمن ، و منه مـا لم یتعین الاـ بعمـل العامل کائنا من کان کفضل الایمان و العلم و العقل و التقوی و سائر الفضائل التی یستحسنها الدین ، و ذلک فضل الله یؤ تیه من یشاء و اسئلوا الله من فضله . (۷۷)

مضـمون سخن این مفسر بزرگ این است : ملاک امتیاز و ارزش ، در هر یک از زن یا مرد، اعمالی است که تقدیم جامعه می کننـد. البته پـاره ای امتیـازات امری اختصاصـی است مثل افزونی سـهم ارث مرد بر زن ، و امتیاز زن بر مرد در عـدم مسؤ ولیت نسـبت به نفقه . در این بخش هیـچ کس نباید چشـمداشتی نسـبت به امتیاز دیگری داشـته باشد. و بخش دیگر تنها به عامل آن بسـتگی دارد، هر کس می خواهـد باشـد. ارزش و امتیـاز ایمـان و دانش و عقـل و پرهیزگـاری و سـایر ارزشـهایی که دین می پـذیرد، همه از این نوع است . ارزش و امتیازی است که خداونـد به هر کس بخواهـد می دهـد و توفیق آن را بایـد از خداوند خواست .

و اینچنین است که حضـرت امـام خمینی در تاءکیـد بر فـداکاری اعجـاب آمیز زنـان بزرگ ایران در طول جنـگ ، یادآور می شوند :

اینجانب در طول این جنگ ، صـحنه هایی از مادران و خواهران و همسـران عزیز از دست داده دیده ام که گمان ندارم در غیر این انقلاب نظیری داشته باشد.

و آنگاه به نمونه ای از ایثار و ارزشهای متعالی و افتخارآمیز بانوان به عنوان یک خاطره فراموش نشدنی می پردازند :

و آنچه

برای من یک خاطره فراموش نشدنی است ، با اینکه تمام صحنه ها چنین است ، ازدواج یک دختر جوان با یک پاسدار عزیز است که در جنگ هر دو دست خود را از دست داده و از هر دو چشم آسیب دیده بود. آن دختر شجاع با روحی بزرگ و سرشار از صفا و صمیمیت گفت حال که نتوانستم به جبهه بروم ، بگذار با این ازدواج دین خود را به انقلاب و به دینم ادا کرده باشم . عظمت روحانی این صحنه و ارزش انسانی و نغمه های الهی آن را نویسندگان ، شاعران ، گویندگان ، نقاشان ، هنرپیشگان ، عارفان ، فیلسوفان ، فقیهان و هر کس را که شماها فرض کنید، نمی توانند بیان و یا ترسیم کنند و فداکاری و خداجویی و معنویت این دختر بزرگ را هیچ کس نمی تواند با معیارهای رایج ارزیابی کند. (۷۸)

و این مصداقی از رهنمود آسمانی حضرت صادق (ع) است که فرمود :

الامراءه الصالحه خیر من اءلف رجل غیر صالح ؛ (۷۹)

زن صالح ، به از هزار مرد ناصالح است .

و در بیان دیگر فرمود :

لیس للمراءه خطر، لا ـ لصالحتهن و لا ـ لطالحتهن ، اما صالحتهن فلیس خطرها الذهب و الفضه . و اما طالحتهن فلیس التراب خطرها؛ التراب خیر منها ؛ (۸۰)

زن را ارزش و بهایی نیست ، نه برای صالح آنان و نه برای ناصالحشان . اما صالح آنان ، در مقابلش ، طلا و نقره برابری نمی کند، و اما ناصالح آنان ، ارزش خاک نیز ندارد و خاک بهتر از او است .

در ضد ارزشها نیز، تفاوتی

میان زن و مرد نیست و این درست بر خلاف تصور جاهلی و باور خرافه ای برخی مردم است که قبح ارتکاب گناه توسط زنان را در مواردی بیشتر می دانند و ننگ آن را برای او حتی اگر توبه کند جاودانه می شمارند، اما مرد را حتی اگر اصرار بر آن ورزد مستحق چنین سرزنشی نمی شمارند. علامه طباطبایی ، خاستگاه چنین خرافه ای را همان تصور دوران جاهلیت می شمارد که آنان را به زنده به گور کردن دختران وا می داشت . علت اصلی این بود که در تصور آنان دختر وقتی بزرگ می شد و به همسری دیگری درمی آمد بازیچه دست او می شد و شوهر هرگونه که می خواست از او بهره می جست و این مایه ننگ خانواده دختر بویژه پدر او بود. آنگاه می افزاید :

و قد بقی من هذه الخرافات بقایا عند المسلمین ورثوها من اءسلافهم ، و لم یغسل رینها من قلوبهم المربون ، فتراهم بعدون الزنا عارا لازما علی المراءه و بیتها و ان تابت دون الزانی و ان اصر، مع ان الاسلام قد جمع العار و القبح کله فی المعصیه ، و الزانی و الزانیه سواء فیها ؛ (۸۱)

ته مانده هایی از این خرافه ها بین مسلمانان مانده است و از پیشینیان خود به ارث برده اند و مربیان جامعه ، زنگار این خرافه ها را از دلهای آنان نشسته اند. لذا می بینی که زنا را ننگی ماندگار نسبت به زن و خانواده اش ، حتی اگر توبه کند می شمارند اما مرد زناکار را حتی اگر اصرار ورزد، نه . با

اینکه اسلام ننگ و زشتی را همه در گناه می داند و مرد بدکاره و زن بدکاره ، از این نظر یکسانند.

حضرت امام نیز چند روز پیش از پیروزی انقلاب اسلامی با اشاره به موقعیت زنان در جمهوری اسلامی می افزایند :

ما همه گونه آزادی را به زن خواهیم داد، البته جلوی فساد را می گیریم و در این مورد، دیگر بین زن و مرد فرقی نیست . (۸۲)

میزان ارزش

تا اینجا، سخن از این رفت که شخصیت آدمی ، بسته به ارزشها و اعمالی است که کسب می کند اما اینکه میزان ارزش چیست و ملاک فضیلت کدام است ، موضوعی است که نیازی به شرح آن نیست و جای جای سخنان حضرت امام ، مستقیم و غیر مستقیم گویای ارزشهای متعالی انسانی و اسلامی و موازین آن است . به اجمال ، تنها اشاره به دو فراز از سخنان آن بزرگوار می شود؛ یکی در شرح برخی امور که در رژیم فاسد گذشته به عنوان ارزشهای واقعی ترویج می شود، و دیگری در اشاره به ارزشهای حقیقی .

وقتی در قشر توده های مردم نگاه می کردی ، در بین زن و مرد هر دو طایفه ، ارزش به لباس بود و به طرز پوشیدن لباس و دوختن لباس و آرایش ، هر که بهتر لباس می پوشید و شیک تر بود در لباس ، ارزشش پیش مردم بیشتر بود و هر زنی که آرایشش به طرز اروپایی بود و لباسش از آنجا الهام می گرفت این پیش زنها هم ارزشش زیادتر بود، البته پیش اکثر، ارزشها همه به امور مادی بود. (۸۳)

پیش از

پیروزی انقلاب اسلامی ، در پاریس ، وقتی یکی از خبرنگاران زن به حضور امام می رسد و مطرح می کند که چون امام وی را به عنوان یک زن پذیرفته است ، این نشان می دهد که نهضت ، بر خلاف تبلیغات دیگران که آن را عقب مانده می شمارند، یک نهضت مترقی است ! حضرت امام ، اشاره می کنند که صرف پذیرفتن یک خبرنگار زن دلیل بر این نیست که اسلام مترقی است و بعد با اشاره به تصور ناصحیح برخی افراد از ترقی ، اضافه می کنند :

ترقی به کمالات انسانی و نفسانی است و با اثر بودن افراد در ملت و مملکت است ، نه اینکه سینما بروند و دانس بروند. و اینها ترقیاتی است که برای شما درست کرده اند و شما را به عقب رانده اند. (۸۴)

دهم : زن ، آزاد و مسؤ ول در تعیین سرنوشت

اشاره

یکی از مهمترین الگوهای دین شناختی حضرت امام در حوزه مسایل زنان که در واقع وجهی اساسی در تمایز میان اندیشه و نگاه ایشان و بسیاری از بزرگان دیگری که از زبان دین سخن می گفتند و می گویند، به شمار می رود، اصل و محور فراگیر و گسترده ای است که در اینجا با عنوان مسؤ ولیت و دخالت در سرنوشت از آن نام می بریم . این مهم با توجه به سرفصلها و موضوعات متعددی که در مصداق یابی آن از منظر اندیشه امام وجود دارد می تواند با تعابیر دیگر و یا در چند بخش مجزا مطرح شود. مجال اندک مقاله چاره ای جز شرح اجمالی و پرداختن فهرست گونه به بخشی از عناوینی که زیر مجموعه این

اصـل قرار می گیرنـد، بـاقی نمی گـذارد. آنچه در این بخش مـورد نظر است عمـدتا از وجهه نظر مسـؤ ولیت عملی زن در دو حوزه فرد و جـامعه است و نگـاهی به بعـد کلامی و مباحث انسان شـناختی نـدارد. در آن زمینه به همان شـرحی که در محور خوشـبختی ، کالای مشترک ، آمد بسنده می کنیم . تردیدی نیست و کسی نیز نمی تواند تردید کند که زن نیز یکسان با مرد، در سـرنوشت خود دخیل است و پاسـخگوی عمل خود می باشـد. مـدار تکلیف و مسؤ ولیت ، عبارت است از اراده و اختیار و آزادی عمل از یک سو، و خرد و آگاهی از سوی دیگر. و هر انسانی ، زن یا مرد، در گرو دستاوردها و اکتسابات خود است ، چه خوب و چه بد :

کل نفس بماکسبت رهینه (۸۵)

لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت . (۸۶)

در اینها تردیدی نیست و کسـی نیز تردید نکرده است و نیازی به شرح و بسط آن نمی باشد. آنچه در این مختصر از منظر دین شناسـی امـام به آن اشـاره می کنیم ، همسـانی زن و مرد و مسؤ ولیت مشترک آنـان در حوزه عمـل بانوان بویژه در زمینه های حضور اجتماعی می باشد. مظاهر حضور اجتماعی اعم از تلاشـهای فرهنگی ، آموزشـی ، سیاسی و هنری ، تحصیل ، اشتغال و تولیـدات صـنعتی ، کشـاورزی و دامی و دیگر فعالیتهـای اجتماعی با حفظ جهات شـرعی اختصاص به قشری یا جنسـی خاص ندارد و زنان نیز نه تنها حق پرداختن به آنها را دارند بلکه در بسیاری موارد تکلیف دینی و اجتماعی آنان

به شـمار می رود و تلاش حضرت امام نیز طی سالهای مبارزه و پس از آن ، از جایگاه مرجعی بزرگ و رهبری که فقط و فقط از موضع احکام دین و تکالیف اسـلامی سـخن می گویـد، مصـروف این شـد که بانوان را به صـحنه آورد و از قیـد و بنـدهای خرافه ای و محرومیتهـای خود سـاخته ای که بر تلاش اجتماعی و نقش آفرینی آنان با توطئه دشـمنان و ناآگاهی توسط برخی دوسـتان بسـته شده بود بگشاید و آنان را به مرحله ای از رشد و بالندگی برساند که در ردیف یکی از افتخارات خود و جامعه اسلامی در آغاز وصیت نامه سیاسی الهی خویش اعلان کند :

ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان ، در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند... و از محرومیتهایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسـلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسـلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهانده و از قید خرافاتی که دشـمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضـی آخونـدهای بی اطلاع از مصالـح مسـلمین به وجود آورده بودند، خارج نمودند. (۸۷)

اصل همسانی زن و مرد در جایگاه اجتماعی و حضور سازنده و فعال در صحنه های مختلف جامعه به عنوان یک انسان مستقل ، امری نیست که آشـنایان به اسـلام بی آلا-یش و رهـا از داوریهـای پیش سـاخته و تکلفهای خودساخته ، به آن اذعان نداشـته باشند. مفسر عالی قدر، علامه

طباطبایی در شرح جایگاه اجتماعی زن در بیانی کلی می نویسد :

و اما وزنها الاجتماعی : فان الاسلام ساوی بینها و بین الرجل من حیث تدبیر شؤ ون الحیاه بالاراده و العمل فانهما متساویان من حیث تعلق الاراده بما تحتاج الیه البنیه الانسانیه فی الاءکل و الشرب و غیرها من لوازم البقاء، و قد قال تعالی : بعضکم من بعض (۸۸)، فلها اءن تستقل بالاراده و لها اءن تستقل بالعمل و تمتلک نتاجها کما للرجل ذلک من غیر فرق ، لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت .

محصول این بخش سخن علامه این است که زن در برآوردن نیازهای انسانی و اجتماعی خویش با مرد یکسان است و می تواند مستقلا تصمیم بگیرد و مستقلا عمل کند و مالک دستاوردهای خود است . در نگاه ایشان تنها دو ویژگی در زن است که طبعا و به مقتضای آن دو، مسؤ ولیتهای خاصی را متوجه او می سازد :

احدیهما : اءنها بمنزله الحرث فی تکون النوع و نمائه فعلیها یعتمد النوع فی بقائه فتختص من الاحکام بمثل ما بختص به الحرث ، و تمتاز بذلک من الرجل . و الثانیه : اءن وجودها مبنی علی لطافه البنیه و رقه الشعور، و لذلک اءیضا تاءثیر فی احوالها و الوظائف الاجتماعیه المحوله الیها . (۸۹)

آن دو ویژگی ، یکی جایگاه و مسؤ ولیت زن در چرخه شکل گیری وجود آدمی و رشد آن است که بقای نسل متکی بر این جایگاه است و طبعا در تشریع و تنظیم مناسبات اجتماعی به مقتضای آن و نه بیشتر، احکام و مسؤ ولیتهایی را متوجه او می سازد، و دوم ،

ساختار لطافت آمیز و ظرافتهای ادراکی وی است که به گونه ای در مسؤ ولیتهای محوله به او تاءثیرگذار می باشد و شرح آن در بخش دیگری از همین نوشته با عنوان عاطفه زن ، نقطه عطف زندگی آمده است .

حضرت امام به مقتضای شناخت همه جانبه و عمیقی که از آموزه های دینی دارند به شرحی که در مقدمه گذشت رسالت خود و انقلاب اسلامی را دستیابی زنان به مقام والای انسانی می دانند، به گونه ای که بتواند در سرنوشت خود دخالت کند :

ما می خواهیم زن به مقام والای انسانیت برسد زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد. (۹۰)

اگر قرآن کریم سرنوشت جوامع را به دست خود آنان می داند و پیشرفت و تحولات نیک آن را در سایه تلاشهای آحاد جامعه معرفی می کند (۹۱) و انحطاط اخلاق و فرهنگ و زوال نعمتها و شکست تمدنها را نیز ناشی از عملکرد خود مردم می شمارد (۹۲) این مردم اختصاص به گروهی خاص ندارد. جلوه ای از این اصل قرآنی همان است که در سخنان امام بارها بر آن تاءکید شده است ؛ از جمله اینکه :

اسلام زن را مثل مرد در همه شؤ ون ، همان طوری که مرد در همه شؤ ون دخالت دارد، دخالت می دهد. (۹۳)

حضرت امام چنان که اشاره شد، دخالت در سرنوشت خود و شؤ ون اجتماعی را نه تنها حق بانوان بلکه تکلیف شرعی و به عنوان عمل به وظیفه دینی و اجابت دعوت الهی می شمارند و این ، آن الگویی است که ما را در شناخت بیشتر دین یاری می دهد

و یـک عامـل اساسـی در برتری اسـلام در تکریم شخصـیت زنـان و حمـایت از حقـوق اجتمـاعی و سیاسـی آنـان و تاءکیـد بر مشارکت و حضور آنان در عرصه های مختلف اجتماعی در مقایسه با دیگر مکاتب و نظامها است .

این بانوان را کی بسـیج کرده که در همه شؤ ون کشور دخالت می کننـد و دخالت بجایی هم می کننـد؟ اینها را کی ، اینها را خدا دعوت کرده است . اینها لبیک برای خدا دارند می گویند. (۹۴)

پیـامبر اکرم (ص) دعوت خویش را از روز نخست متوجه همه اقشـار اجتمـاعی می دانست . دومین فردی که به او ایمان آورد یـک زن بـود که تـا آخر نیز به پـای ایمـان خویش ایسـتاد و آنهمه فـداکاری کرد و نـام خویش را به عنوان یکی از چهـار زن برگزیـده جهـان توحیـد ثبت نمـود. زنـان در همه صـحنه هـا حضور داشـتند، حضوری مسؤ ولا‌نه و از سـر ادای وظیفه دینی و رسـالت ایمانی خود. حضوری که در پاسـخ به نـدای پیامبر (ص) بود. در نخستین بیعتی که با پیامبر (ص) پیش از هجرت در عقبه ، از جانب چنـد نفر از مردم یثرب که هنوز نام مـدینه را نیز به خود نگرفته بود، صورت گرفت ، از زنی به نام هفراء دختر عبیـد بن ثعلبه نام برده شده است و در اهمیت حضور وی همان بس که برخی علت نامگذاری آن بیعت به بیعه النساء را همین می داننـد. در بیعت دوم در سـال بعـد نیز حـداقل دو زن حضـور داشـتند. در بیعت عمـومی مردم مکه هنگـام فتـح آن نیز همه شرکت جستند. قرآن

کریم نیز به مساءله استقبال زنان از بیعت پرداخته و پیامبر (ص) را موظف به پـذیرش آن کرده است . (۹۵) در جریان هجرت نیز که یک امر حیاتی برای مسـلمانان بود، چه در هجرت مخفیانه به حبشه که از جمع حدود یکصد نفر مهاجران ، نزدیک ۲۰ نفر زن شـرکت داشت ، و چه در هجرت به مدینه ، پیش از هجرت پیامبر (ص) و پس از آن که مسلمانان اموال خویش را در مکه نهاده و به دنبال پیامبر روانه مدینه می شدند و حدود ۵۰۰ کیلومتر راه را با دشواری بسیار طی می کردند.

حضرت امام در باب ضرورت مشارکت بانوان در آنچه که به سرنوشت جامعه اسلامی مربوط می شود، در حوزه های مختلف اجتماعی بیانات بسیاری دارنـد که پرداختن به همه نکات و آموزه های آن از مجال بحث بیرون است . آنچه در این مختصر بـازگو می شود تنهـا اشاراتی بس کوتاه ، آن هم به بخشـی از محورها و عناوین است ، افزون بر آنچه در سایر بخشـهای مقاله آمده است .

مشارکت سیاسی :

یکی از محورهایی که در حضور اجتماعی بانوان ، سـخت مورد تاءکید حضـرت امام است ، مساءله مشارکت سیاسی آنان می باشد :

زن بایـد در سـرنوشت خودش دخالت داشـته باشـد. زنها در جمهوری اسـلامی راءی بایـد بدهنـد. همان طوری که مردان حق راءی دارند، زنها حق راءی دارند. (۹۶)

همان طوری که مردها بایـد در امور سیاسـی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زنها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زنها هم باید در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی همدوش مردها

باشند. (۹۷)

آنچه در این نوشته ، به عنوان محور اصلی دنبال می شود، این نکته اساسی است که حضرت امام اینها همه را از موضع دین و در جایگاه معرفی اسلام بازگو می کنند. و چهره ای که از دین و شریعت ترسیم می کنند جز این نیست که بانوان دوشادوش مردان در عرصه های مختلف اجتماعی و شؤ ون زندگی حضور فعال و مسؤ ولانه دارند :

خانمها برای اینکه یک چیزی مثلا دستشان بیاید یک یا فرض کنید که صاحب منصب بشوند نمی آیند بیرون خودشان و بچه هایشان را به کشتن بدهند. این اسلام و قرآن است که خانمها را آورده است بیرون و همدوش مردها بل جلوتر از مردها وارد در صحنه سیاست کرد. (۹۸)

حضور در عرصه سازندگی

یکی دیگر از صحنه های مشارکت فراگیر، مساءله سازندگی همه جانبه کشور و جامعه است که هیچ کس نباید و نمی تواند تردید کند که بدون حضور فعال بانوان جامعه اسلامی بتوان در این مهم توفیق کامل به دست آورد. در این خصوص نیز حضرت امام ، تاءکیدهای زیادی دارند :

همه ملت ایران ، همه ملت ایران ، چه بانوان و چه مردان باید این خرابه ای که برای ما گذاشته اند، بسازند با دست مرد تنها درست نمی شود، مرد و زن باید با هم این خرابه را بسازند. (۹۹)

زنان شیردل و متعهد، همدوش مردان عزیز به ساختن ایران عزیز پرداخته چنان که به ساختن خود در علم و فرهنگ پرداخته اند و شما شهر و روستایی را نمی یابید جز آنکه در آنها جمعیتهایی فرهنگی و علمی از زنهای متعهد و بانوان اسلامی ارجمند

به وجود آمده است . (۱۰۰)

حضرت امام اساسا معنای آزادی صحیح بانوان را نیز همین می شمارند که آنان بتوانند با حفظ شؤ ون دینی و انسانی خود، در سازندگی کشور نیز نقش ایفا کنند :

امروز زنان در جمهوری اسلامی همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند و این است معنای آزاد زنان و آزاد مردان ، نه آنچه در زمان شاه مخلوع گفته می شد که آزادی آنان ، در حبس و اختناق و آزار و شکنجه بود. (۱۰۱)

تلاش فرهنگی

یکی از عرصه های حضور اجتماعی که از منظر دینی ، بانوان وظیفه دارند در آن مشارکت فعال داشته باشند، تلاش در عرصه فرهنگ به معنای وسیع کلمه است . و حضرت امام ، بارها بر این مهم که طبعا بخش عمده ای از حیات اجتماعی را در بر می گیرد تاءکید کرده اند :

شما می دانید که فرهنگ اسلام در این مدت مظلوم بود، در این مدت چند صد سال ، بلکه از اول بعد از پیغمبر سلام الله علیه تا برسد به حالا فرهنگ اسلام مظلوم بود، احکام اسلام مظلوم بودند، و این فرهنگ را باید زنده کرد و شما خانمها همان طوری که آقایان مشغول هستند، همان طوری که مردها در جبهه علمی و فرهنگی مشغول هستند شما هم باید مشغول باشید. (۱۰۲)

مشارکت در نظارت عمومی

نظارت فعال و متعهدانه بر آنچه در جامعه اسلامی بویژه در اجزاء نظام اسلامی می گذرد و تلاش برای حسن جریان امور، وظیفه ای است شرعی و متوجه همه افراد جامعه ، چه زن و چه مرد. زن نیز باید در نظارت بر امور، خود را مسؤ ول بداند. نظارت مسؤ ولانه علاوه بر آگاهیهای لازم ، نیازمند حضور فعال و اظهار نظر در مسایل است :

باید همه زنها و همه مردها در مسایل اجتماعی ، در مسایل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند؛ هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهار نظر بکنند. (۱۰۳)

این سخن امام ، شعاعی از فرمان قرآن کریم است که به صراحت پیوند مسؤ ولانه و ایمانی زنان و مردان مؤ من را یادآور می شود و آنان را عهده

دار مسؤ ولیت امر به معروف و نهی از منکر می شـمارد، همان گونه مسؤ ول اقامه نماز و ادای زکات و پیروی از خدا و رسول می داند :

و المـؤ منـون و المـؤ منـات بعضـهم اولیـاء بعض یـاءمرون بـالمعروف و ینهـون عن المنکر و یقیمون الصـلوه و یؤ تون الزکوه و یطیعون الله و رسوله اولئک سیرحمهم الله ان الله عزیز حکیم . (۱۰۴)

آری به گفته قرآن ، این چنین جامعه ای با چنان پیوندهای ایمانی و مناسبات اجتماعی مسؤ ولانه و نظارت همه جانبه در کنار انجام دیگر وظایف دینی است که مورد لطف و عنایت خداوند قرار می گیرد.

حضور در دفاع و تدارک میدان نبرد

تحمیـل جنگی ناخواسـته بر ملت انقلابی ایران ، فرصتی تاریخی را برای بانوان مجاهـد و فـداکار فراهم آورد که گوهر وجود ایمانی و ارزشـهای انسانی خویش را به زیباترین و گویاترین شـکل به نمایش گذارند و زمینه ای شد که حضرت امام نیز وجه دیگری از مشارکت بانوان در مقدرات اساسـی جامعه و سـرنوشت خویش را بازگو کنند. و اینچنین بود که یکی از محورهای اساسـی در بیانـات حضـرت امام درباره جنگ تحمیلی و دفاع مقـدس را، ضـرورت و نحوه حضور بانوان و تلاش جهادی آنان تشـکیل می دهـد؛ از آموزش نظـامی گرفته تـا تـدارکات جبهه ، تربیت فرزنـدان و تشویق همسـران و بسـتگان برای حضور در میدان نبرد، حضور در سـپاه و ارتش و حتی حضور خود بانوان در جهاد دفاعی که مسؤ ولیتی مشترک میان زن و مرد است . و اینها همه از نگاه دینی ، تحلیل و استدلالهای روشن و انکار ناپذیری دارد.

زنان در صدر اسلام با مردان در

جنگها هم شرکت می کردند ما می بینیم و دیدیم که زنان همدوش مردان بلکه جلوتر از آنان در صف قتال ایستادند، خود و بچه های خود و جوانان خودشان را از دست دادند و باز هم مقاومت کردند. (۱۰۵)

اگر خدای نخواسته زمانی یک هجومی به مملکت اسلامی بشود باید همه مردم ، زن و مرد حرکت کنند. مساءله دفاع این طور نیست که تکلیف منحصر به فرد باشد یا اختصاص به یک دسته ای داشته باشد، همه باید بروند و از مملکت خود دفاع بکنند. (۱۰۶)

من از آنچه تاکنون به همت مردان و زنان با شرف و رزمنده شده است امید آن دارم که در بسیج همه جانبه آموزش نظامی و عقیدتی و اخلاقی و فرهنگی با تاءیید خداوند متعال موفق شوند و دوره تعلیمات و تمرینهای عملی نظامی و پارتیزانی و چریکی را شایسته و به طوری که سزاوار یک ملت اسلامی بپاخاسته است به پایان رسانند. (۱۰۷)

استدلال بر ضرورت آموزش نظامی توسط بانوان در شکلهای مختلف آن نیز کاملا روشن است . کما اینکه امام خطاب به جمعی از بانوان می فرمایند :

اگر دفاع بر همه واجب شد، مقدمات دفاع هم باید عمل شود. از آن جمله قضیه اینکه ترتیب نظامی بودن ، یاد گرفتن انواع نظامی بودن را برای آنهایی که ممکن است . این طور نیست که واجب باشد بر ما که دفاع کنیم و ندانیم چه جور دفاع کنیم . باید بدانیم چه جور دفاع می کنیم ... البته در آن محیطی که شما تعلیم نظامی می بینید باید محیط صحیح باشد، محیط اسلامی باشد، همه جهات عفاف محفوظ

باشد، همه جهات اسلامی محفوظ باشد.(۱۰۸)

پایان بخش این محور، سخن دیگری از حضرت امام در پیش از پیروزی انقلاب است که هم تاءکیدی بر مشارکت مسؤ ولانه بانوان در جهاد شرعی است و هم تاءکیدی بر حضور فعال در جامعه و مشارکت در اموری که به سرنوشت آنان مربوط می شود :

این تبلیغات که اگر اسلام پیدا شد مثلا دیگر زنها باید بروند توی خانه ها بنشینند و قفلی هم درش بزنند که بیرون نیایند این چه حرف غلطی است که به اسلام نسبت می دهند. صدر اسلام زنها توی لشکرها هم بودند، توی میدانهای جنگ هم می رفتند. (۱۰۹)

یازدهم : عفاف و حجاب ، دژی تسخیرناپذیر

وقتی از منظر اندیشه و نگاه امام خمینی به دین شناسی در حوزه مسایل زنان می پردازیم ضرورت حفظ شؤ ون و شرایطی که یک زن مسلمان باید در حضور اجتماعی و سلوک و رفتار خویش به آن کاملا پایبند باشد، بخوبی آشکار است . همان که از آن به عفاف و پاکدامنی ، و به حجاب و پوشش شرعی یاد می کنیم . انقلاب و مبارزه تا پیروزی هنر امام بود، اما هنر بزرگ و بی بدیل امام این بود که این همه را با صیغه دینی و کاملا منطبق بر خواستها و ارزشهای دینی سامان داد. آوردن بانوان به صحنه انقلاب و میدان مبارزه بی شک هنر امام بود. اما هنر بی نظیر وی آن بود که آنان را با تاءکید بر حفظ شؤ ون شرعی به صحنه آورد و در میدان دفاع از دستاوردهای انقلاب ، حاضر نگه داشت ؛ تا آنجا که انقلاب او، انقلاب چادرها نام گرفت .

این حقیقت شیرین از یک منظر جای شگفتی ندارد چرا که امام اساسا یکی از اهداف قیام خود را نجات جامعه از فرهنگ بی بند و باری و زدودن مظاهر هتک کرامت بانوان و آنچه خود امام از آن تعبیر به آزادی وارداتی می کرد بود. (۱۱۰) هنر امام این بود که نه ضرورت حضور اجتماعی و سازنده بانوان در سرنوشت خود و جامعه را فدای یکسویه نگری و تنگ نظری به دین و جایگاه زن نمود و نه به عذر مبارزه و حضور بانوان در صحنه های مختلف آن ، چارچوبهای شرعی و شؤ ون مورد نظر شریعت اجتماعی و کرامت انسانی زن مسلمان و حضور سازنده او در جامعه و نقش کامل وی در تعیین سرنوشت خود، تنها با حفظ همه جهات شرعی که در اینجا از آن با نام عفاف و حجاب یاد می کنیم ، ممکن است و طبعا و لزوما تحلیل شخصیت و ارائه چهره اجتماعی زن مسلمان از منظر دین شناسی امام ، در هر جایگاه و مسؤ ولیتی که قرار می گیرد، عفاف و حجاب به معنای وسیع و صحیح آن به عنوان یک اصل محوری ، حضور دارد و صد البته که نه عفاف می تواند در دایره بسته سلیقه این دین مدار یا سهل انگاری و ولنگاری فکری و اعتقادی آن توجیه گر، تفسیر و تعیین مصداق گردد و نه حجاب بر مدار تنگ نظری و تعصب بیجای این فرد یا آن گروه می چرخد و نه موم صفت می تواند هر روز و به دلخواه هر کس به شکلی در آید.

چارچوب شرعی آن مشخص

است و هر جا نیز عرف و موضوع حکم شرع باشد، مردم عرف خود را می شناسند. حضرت امام بارها بر انجام وظایف و مسؤ ولیتهای اجتماعی بانوان تاءکید ورزیده اند و در عین حال حفظ سایر شؤ ون دینی را یادآور شده اند :

امروز باید خانمها وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را باید عمل بکنند و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی ، کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام دهند. (۱۱۱)

امام وظیفه دینی را در جای دیگر با اشاره به وضعیت مطلوب کنونی در ایران شرح می دهند :

همان طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زنها هم باید در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند. البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است ، که بحمدالله امروز در ایران جاری است . (۱۱۲)

این جلوه ای از همان سخن امیرالمؤ منین (ع) است که حیا و عفت را از صفات و دستاوردهای ایمان شمرد و جزء سجایای آزادگان و رسم نیکان دانست :

ان الحیاه و العفه من خلائق الایمان و انهما لسجیه الاحرار و شیمه الابرار ؛ (۱۱۳)

حیا و پاکدامنی ، نشانه آزادگی و جوانمردی و لازمه ایمان است .

ملتی که آزادی یافته ، لازمه آزادی را حیا و پاکدامنی و رها شدن از فرهنگ بی بند و باری می داند. پاکدامنی و حجاب نشانه آزادگی است و مردان و زنان آزاده ، آنانند که با حیا و پاکدامن باشند. آزادگی ، خاستگاه و سرمنشاء بسیاری صفات نیک و سلوک پسندیده از جمله حیا و خویشتن

داری است . این سخن امام صادق (ع) است که حریت را جامع صفاتی می شمارد که اگر حتی یکی از آنها در کسی نباشد، خیر چندانی در وی نیست ؛ وفاداری ، تدبیر، حیا، حسن خلق و در نهایت که به تعبیر امام (ع) جامع صفات دیگر است ، آزادی :

خمس خصال من لم تکن فیه خصله منها فلیس فیه کثیر مستمتع ؛ اولها : الوفاء و الثانیه : التدبیر، و الثالثه : الحیاء و الرابعه : حسن الخلق ، و الخامسه و هی تجمع هذه الخصال الحریه . (۱۱۴)

حضرت امام در جای دیگری می فرماید :

بانوان محترم ایران ثابت کردند که دستخوش این طور توطئه ها نشده اند و نمی شوند و ثابت کردند که در دژ محکم عفت و عصمت هستند و جوانان صحیح و نیرومند و دختران عفیف و متعهد به این کشور تسلیم خواهند کرد و هیچ گاه نخواهند در آن راههایی که قدرتهای بزرگ برای تباه کردن این کشور پیش پای آنها گذاشته بود، به آن راهها نخواهند رفت . (۱۱۵)

بنابراین ، حفظ جهات شرعی به صورت کامل در همه صحنه های حضور اجتماعی به معنای وسیع کلمه ، یک الگوی محوری ، برای دین شناسی در حوزه مسایل زنان از منظر حضرت امام است . حضرت امام ، حتی بانوان را به آموزش نظامی تشویق کرد و آن را در شرایطی واجب شمرد، و یا به عنوان نمونه از عضویت در ارتش یا سپاه پاسداران نهی نکرد اما همواره با تاءکید بر حفظ جهات شرعی و شؤ ون دینی زن مسلمان . (۱۱۶)

تکلمه این محور، سخنی

از امیرالمؤ منین (ع) است ، خطاب به مردم عراق ، آنهم در زمانی که حضرت در راءس حکومت بودند و شنیده بودند در رفت و آمد برخی زنان و مردان حدود و مرزهای شرعی و کرامت انسانی بانوان رعایت نمی گردد :

یا اله العراق ! نبئت اءن نساءکم یدافعن الرجال فی الطریق ؛ اءما تستحون ؟! (۱۱۷)

ای عراقیان ! شنیده ام که زنان شما در راه با مردان برخورد می کنند! (و مثلا شانه به شانه می شوند) آیا شرم نمی کنید؟!

همین نکته را در گزارش دیگری که مرحوم کلینی در کتاب کافی آورده چنین می خوانیم :

اءما تستحیون و لا تغارون ؟! نساءکم بخرجن الی الاءسواق و یزاحمن العلوج ؛ (۱۱۸)

آیا شرم نمی کنید و به غیرت نمی آیید که زنانتان روانه بازارها می شوند و با افراد لاابالی و بی ایمان برخورد می کنند و می لولند؟!

دوازدهم : تحصیل و تدریس ، فرصتی برای همه

توضیح

اسلام ، دین دانش و معرفت ، اندیشه و قلم است . جای جای این دین شریف ، دعوت به رشد علمی و تاءکید بر تحصیل کمالات معرفتی ، آموزشی دادن و دانش آموزی است . تاریخ اسلام ، از نخستین روز آن گواه گویا و انکار ناپذیری بر این حقیقت روشن است . آن همه آیات که به دانش و کمالات معرفتی و پی بردن به رموز عالم و کشف حقایق هستی فرا می خواند. و آن حجم وسیع متون حدیثی که در باب علم و جنبه های مختلف آن ، وارد شده و به مبارزه علیه جهل و عقب ماندگی پرداخته است و آن سیره حسنه و عملکرد افتخارآمیز اولیاء دین علیهم

السـلام که بیشترین تلاـش را در گسترش دانش و معرفت و تعمیق و توسـعه فراورده هـای علمی داشـته انـد و آن تاریـخ علمی مسلمانان تاکنون که از فرط روشنی هیچ نیاز به اشاره نیز ندارد.

اساسا اسـلام که رسالت خود را هـدایت می دانـد، نمی توانـد جز بر مبنای دانش و معرفت ، به رسالت خود جامه عمل پوشـد. اسـلام که آدمیان را بی هیـچ تفاوتی میان زن و مرد مخاطب سـخن و تکلیف سازی خویش می داند عقاب بی بیان را به حکم عقل ، زشت می شـمارد، نمی تواند به دانش و دانایی فرا نخواند. اسـلام که سـیادت و اسـتقلال مؤ منان به خویش را طلب می کنـد و به عنوان یک اصل فراگیر در طول و عرض ، در زمان و مکان ، تاءکیـد می ورزد که ولن یجعل الله للکافرین علی المؤ منین سبیلا (۱۱۹) کافران را هیـچ راه سـلطه و سـیادتی بر مسـلمانان نیست ، جز این نیست که که همه مؤ منان را به جهاد علنی فراگیر دعوت کند. اسلام که حتی رفتارهای عبادی بندگان را در جهت کسب معرفت و دستیابی به مراحل معرفتهای درونی و شناخت بیشتر حقیقت هستی و ملکوت آسـمانها و زمین می داند و اساسا، پایه اصلی معراج به هر معنا و شکلی که باشد چیزی جز دستیـابی به حقایقی برتر در جهان ملکوت و در بارگاه قـدس ربوبی نیست ، چه اینکه جانمایه اصـلی نزول فرشـتگان بویژه فرشته وحی ، اتصال بشر به جهان معرفت و عوالم غیب و رمز و رازهایی است که آدمی جز به مدد ایمان به پیامبران (ع) و

به واسطه وحی ، راه به آنها نـدارد، هـویت این دین چیزی جز معرفت و دانش در مراتب مختلـف آن و ایمـان به حقـایق برتر هستی و وفق دادن و هماهنگ ساختن خویش با آن نیست ، آیا چنین دینی در ذات خود اساسا می توانـد با دانش پذیری نیمی از مخاطبان خود سازگاری نداشته باشد. این درست به آن ماند که گفته شود این دین با هدایت و ایمان و سعادت جاودانه این نیمه کـاری نـدارد! آیـا چنین مکتبی هیـچ منفعتی در ناآگـاهی مؤ منـان به خویش دارد. این درست به آن مانـد که گفته شود اسـلام منفعت و بقای خود را در بی ایمانی مردمان و هـدایت نایافتگی آنان می جوید! نیک در می یابیم که چرا حضـرت امام خمینی ، شکرگذار و ستایشگر فضایی هستند که بانوان ما را از عقاید بسته ای که دانش را در انحصار مردان می جست نجات بخشید و همه را دعوت می کنند که کاستیهای گذشته را نیز جبران کنند :

بحمدالله امروز آن بندهایی که به عقاید ما بسته شده بود رها شد امروز تمام قشرهای ملت مشغول تربیت و تعلیم هستند. بانوان مشـغول هسـتند. الآن بانوان جزو طلاب علوم دینیه در قم و در جای دیگر هسـتند و خودشان در هر جا هسـتند مشغول تربیت و تعلیم هسـتند و این یک امری است که در این انقلاب تحقق پیدا کرد آن وقت همچو محصور کرده بودند که برای بانوان هیچ حق قائل نبودنـد که حتی در یک مجمع ده نفری وارد بشونـد و مساءله علمی بگویند و مساءله عقیدتی بگویند. امروز اینها می توانند

بـا همه حفظ جهات اسـلام در همه جای کشور تبلیغات بکننـد، بلکه در خارج از کشور هم ما بسـیار عقب افتاده بودیم در این امور و امروز باید تلافی کنیم ، باید نقیصه ها را رفع بکنیم . (۱۲۰)

جای پرداختن به آن همه ادله روشن در تاء کیـد اسـلام بر ضـرورت تحصـیل و تدریس دانش و معرفت در رشـته های مختلف علوم ، بویژه علوم مورد نیـاز جـامعه و بالاـخص دانش هـدایت و کمالات معنوی نیست و در این مجال ، نیازی به بازگو کردن حتی بخش کوچکی از آن نیز نمی باشد. ما نمی توانیم و نباید این همه برهانهای روشن و قطعی را نادیده انگاشـته و به صرف وجود برخی متون یا به عـذر برخی عوارض ، تحصـیل و تـدریس را چهره ای مردانه به آن بـدهیم و حتی آن را مایه فتنه برای نیمه دیگر احتمـال دهیم . این چیزی جز تحجر و درآمیختن سـلیقه ها و عادات شخصـی به دین و دیانت نیست . از این رو اگر در برخی روایـات ، تعلیم بانوان به گونه ای مورد نکوهش قرار گرفته و از منع آنان از دانش آموختن سـخن گفته این مضامین حـدیثی را نمی توانیم بپذیریم . نه موازین حدیث شناسـی و حدیث پذیری چنین روا می دارد و نه اصول اسـتنباط و اجتهاد در شریعت مقدس می تواند اینها را همراهی کند و نه با مذاق شـریعت و دین ، دانش و معرفت همخوانی دارد. این دسـته روایات را باید به کناری نهاد یا به گونه ای قابل قبول به تاءویل برد یا اگر چنین وجهی یا توانی

نیست ، مسؤ ولیت فهم آن را از خود سلب کرد و دانش آن را چنان که در تعبیر بزرگان دانش حدیث رواج دارد به صاحبان آن واگذار نمود. برای مبارزه با همین اندیشه های واپسگرا و در راستای تشویق به رفع کاستیهای گذشته و رشد علوم و برشماری دستاوردهای انقلاب است که حضرت امام ، بر یکسانی زن و مرد در تحصیل و تدریس تاءکید می ورزند و الا کیست که نداند دانش به معنای وسیع آن چهره ای مردانه ندارد و نباید داشته باشد :

علوم مطلقا، خصوصا علوم اسلامی اختصاص به قشری دون قشری ندارد و بانوان محترم ایران در طول انقلاب ثابت نمودند که همدوش مردان می توانند حتی در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی خدمتهای ارزشمندی به اسلام و مسلمانان نمایند و در تربیت و تعلیم ، جامعه بزرگوار بانوان پیشتاز باشند. (۱۲۱)

به حکم عقل و به حکم داوری و خواست جوامع ، روشن است که رعایت تناسب و اولویت بندی در گزینش گرایشهای علمی و رشته های مختلف علوم و احترام به حق انتخاب آحاد جامعه و حفظ مصالح عمومی ، و نکاتی از این دست ، در گزینش هر کاری و حرفه ای و دانشی دخالت خواهد داشت و این امری طبیعی است اما این به معنای تبعیض در دانش یا اختصاصی کردن علوم نیست بلکه بهره وری بهینه از فرصتها و امکانات است . حضرت امام در تشویق به توسعه دامنه علوم و تواناییهای علمی بانوان می فرماید :

حالا طوری شده است که خانمها همدوش با سایر برادران در تحصیل علم و عرفان و فلسفه و تمام شعب

علم و ان شاء الله صنعت ، فعالیت می کنند. (۱۲۲)

و اینچنین است که اینک به جز هزاران نفر فارغ التحصیل ، صدها نفر از بانوان ارجمند در حوزه های علوم اسلامی به تحصیل و تدریس اشتغال دارند و هزاران نفر از آنان دانش دین آموخته اند، و اینچنین است که امروز بیش از نیمی از دانشجویان در مراکز آموزش عالی را دختران و بانوان این سرزمین اسلامی تشکیل می دهند. خدای را بر این حسن توفیق سپاس می گوییم و درود بیکران اولیای الهی و شهدای عزیز را به روح والای حضرت امام خمینی می فرستیم و سلام و تحیت خویش را نثار آن بزرگ مرد در خانه ملکوت می کنیم .

قم تیرماه ۱۳۷۸

ضمیمه : امام خمینی و راهبرد تهاجم

موضوع زن و مسایل مرتبط با آن ، یکی از محورهای روشن و عمده تبلیغاتی دشمنان اسلام در هجوم به احکام شریعت و ارزشهای دینی و بدبین کردن دیگران به اسلام می باشد، کشاندن مسلمانان به موضع انفعالی در دفاع از ارزشها و احکام اسلامی از جمله در موضوع زن و خانواده و تلاش برای دست شستن از تفسیر انسانی اسلامی شخصیت انسانی زن و حقوق و تکالیف وی در شریعت مقدس ، هدفی است که دشمنان همواره در پی آنند. آنان در حالی خود را داعیه دار دفاع از آزادی و حقوق بانوان می شمارند که به شخصیت و حقوق انسانی زن و خانواده بیشترین ستم را روا می دارند و در شکلی پیشرفته ، بهره کشی از وی و استفاده ابزاری از تواناییها و جاذبه های او را بی پروا تبلیغ و حمایت می کنند. اندیشه

ای که در درون آن چنین رفتاری با زن و خانواده شکل می گیرد و در عین حال داعیه انسان مداری را دارد، فرسنگها از حرمت واقعی انسان و ارزشهای وجودی وی فاصله دارد و سخت شایسته نقادی و افشاگری علمی می باشد. بنیانهای فکری فرهنگی آنچه در غرب به عنوان شخصیت و حقوق زن مطرح است ، باید مورد هجوم اندیشه های متعالی و انسان ساز اسلامی قرار گیرد و ناکارآمدی آن در سعادتمند ساختن انسان ، برملا گردد. و این رسالتی است که بر دوش متفکران و عالمان و محافل علمی ، فرهنگی سنگینی می کند.

سیاست تهاجم همه جانبه به دشمن از جمله در زمینه مسایل فرهنگی و سیاسی ، یکی از راهبردهای اساسی و از اصول مبارزاتی حضرت امام خمینی می باشد. این اصل برخاسته از رهنمودهای قرآن و سنت است که مسلمانان را به ایستادگی در مقابل دشمن و پیش دستی در هجوم به بنیانهای فکری ، فرهنگی ، سیاسی و توان نظامی او فرا می خواند و از برخورد انفعالی و ضربه پذیری باز می دارد. آنچه می خوانید تحلیلی کوتاه در همین زمینه است که به تناسب موضوع اصلی کتاب ، یک مساءله مهم فرهنگی به شمار می رود، به عنوان ضمیمه ارائه می گردد.

این نوشته ، نخست در سال ۱۳۷۳ در ویژه نامه روزنامه جمهوری اسلامی به مناسبت سالگرد رحلت حضرت امام خمینی انتشار یافت و اینک همراه با اصلاحاتی به انگیزه تاءکید بر رسالت یاد شده در حوزه مسایل فرهنگی ، تقدیم می گردد.

قم سید ضیاء مرتضوی

۳۰ آذر ۱۳۷۸ ۱۲ رمضان ۱۴۲۰

برای آنان که زندگی ، مبارزه

و رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) را پی می گیرند اصل راهبردی تهاجم یکی از عناصر اصلی و جزء راهبردهای کلان در اندیشه مبارزاتی ، رهبری و پیروزی امام خواهد بود. در تحلیل و ارزیابی حرکت پیروزمند امام ، دریافتهای خرد و کلان بسیاری خواهیم داشت که باید سیاست تهاجم را از بخشها و محورهای اولیه آن شمرد. این مبارزات چه پیش از پیروزی و چه پس از آن ، به روشنی نشان می دهد که امام با استراتژی تهاجم به دشمن و بنیانهایی که بر آن استوار است توانست همواره از موضعی برتر، انقلاب را تا سر منزل پیروزی و پس از آن در مقابله با آنچه پیش آمد، رهبری نماید. بنیه های فکری ، فرهنگی ، سیاسی ، اقتصادی ، نظامی همواره دستخوش حملات هجومی خط و حرکت مبارزاتی امام بوده است و اساسا بینش لزوم بنیانگذاری حکومت اسلامی ، بر همین اصل نیز استوار است .

حرکت پیروزمند انقلاب اسلامی و برپایی جمهوری اسلامی در پیدایش خود مبتنی راهبرد تهاجم بوده است و در بقاء و ادامه آن نیز همواره نیازمند این اصل است . عدول از راهبرد تهاجم و کشاندن یا کشیده شدن به مواضع تدافعی و انفعالی به هر میزان و در هر زمینه ، به همان فراخور، به مثابه برگشت از یک اصل فراگیر است که شکست و درماندگی را در پی خواهد داشت .

در رهنمودهای دینی و نیز سیره عملی اولیای دین (صلوات الله علیهم) شاهد عنایت ویژه ای به اصل مذکور می باشیم . آنچه بر اهمیت موضوع می افزاید گستره اصل راهبردی تهاجم

در بخشهای مختلف نظامی ، سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی می باشد. استقرای کامل رهنمودهای یاد شده و نیز پرداختن به آنچه امام در طول تاریخ زندگی انقلابی و حیات سیاسی خویش در این زمینه بر جای گذاشته است نمی تواند، انگیزه این تحلیل کوتاه باشد چرا که نیاز به فرصت و حوصله ای بسیار بیش از این است . هدف فقط آوردن برخی نمونه ها و توجه دادن به فرایند کم توجهی یا برگشت از راهبرد تهاجم می باشد. انقلاب اسلامی حرکتی پیشرو است . این حرکت همواره سدها و موانع و تنگناهای بسیاری را در پیش روی خواهد داشت . در کنار بسیاری عوامل دیگر، ویژگی هجومی آن است که می تواند اینها را از سر راه بردارد. اگر این حرکت مقدس ویژگی مذکور را از دست بدهد نه تنها روبه رو شدن با تهاجم طرف مقابل که دنیای استکبار است امری طبیعی خواهد بود بلکه به شبیخون همه جانبه ای گرفتار خواهد آمد و آن وقت دیگر حتی فرصت دفاع نیز نخواهد ماند چرا که دفاع نیز نیازمند اندیشه و تدبیر است و در یک شبیخون ، گاه نه تنها جایی برای تفکر باقی نخواهد ماند، بلکه فرصت فرار نیز از دست می رود. امام از نخستین روزهای مبارزه تا روزهای پیروزی و از گامهای نخست پیروزی تا سالهای پس از آن ، رهبری مبارزان امت و امت مبارز را از این موضع پی گرفت چرا که یک انقلاب نمی تواند تنها در لاک دفاعی خود فرو رود، آن هم انقلابی که فلسفه وجودی آن نشر توحید و مبارزه با شرک و

ظلم و ستم جهانی و رویارویی با سران کفر و استکبار است . حضرت آیت الله خامنه ای درباره این ویژگی مبارزات امام ، سالها پیش فرازی بس گویا و دلنشین دارد :

در سالهای آخر اختناق ، این راهنماییها شتاب ، قاطعیت و صراحت پیامبرانه ای گرفته بود بر همه نظرات و سلیقه ها، بر همه تردیدها و دودلیها، بر همه ضعفها و سستی ها فائق می آمد و در میان کوهی از مشکلات ناباوریها و ناتوانیها راهی به وسعت عبور یک ملت می گشود... و به کجا می رفت کاروان انقلاب ، اگر این رهبری الهی نمی بود و این ناطقه الهی نمی گفت ؟ (۱۲۳)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹